

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۴۹ از ۲۰ اردیبهشت تا ۲ خرداد ۱۳۸۹

کودتا بود یا برکناری قانونی؟

* برکناری رئیس جمهوری، کودتا بود یا اقدامی قانونی؟

جناب آقای بنی صدر عزیز، سلام. امیدوارم سلامت و شاد باشید. به عنوان یک دانشجوی رشته تاریخ، یک سؤال از شما دارم: در تحلیل واقعه تلخ ۳۰ خرداد ۶۰، شما همیشه اصطلاح کودتا را به کار برده اید. تعریف شما از اصطلاح کودتا چیست؟ چرا که چیزی که من همیشه با آن برخورد داشته ام این بوده که کودتا به عنوان اقدام نظامیان علیه دولت قانونی محسوب می شود. در حالی که شما همچنانکه براساس قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ به ریاست جمهوری برگزیده شدید، بر اساس اصول مختلف همان قانون نیز عزل شدید. پس عزل شما از ریاست جمهوری بر اساس قانون اساسی وقت بود. اگر به خاطر داشته باشید دکتر کریم سنجابی نیز در کتاب خاطرات خود به این مساله اشاره کرده است. لازم به یادآوری نیست که من به عنوان کسی که در سال ۶۳ و چند سال بعد از این حوادث به دنیا آمده است، همیشه برای شما احترام قائلم و در صداقت و مین دوستی و عملکرد درست شما در گذشته تردیدی ندارم و این از ایمیل هایی که برایتان ارسال می کنم به خوبی هویداست. بنابراین خوشحال می شوم مرا مثل همیشه راهنمایی کنید. البته شاید در گذشته به این سؤال پاسخ داده باشید و از چشم من دور مانده باشد. بنابراین حتی اگر مرا به پاسخ قبلی خود ارجاع دهید باعث خوشحالی فراوان خواهد شد. در پایان از اینکه مصدع اوقات شما شدم عذر خواهی می کنم. با احترام - محمدعلی قهرمانپور تهران ۱۳۸۹/۱/۲۰

* پاسخ به پرسش اول:

۱ - کودتا، اصطلاحی است که در زبان فرانسه برای تغییر ماهیت و طبیعت یک رژیم سیاسی بکار رفته است. این اصطلاح به زبان انگلیسی نیز راه جسته و بکار رفته است و می رود. بدین قرار، تغییری را کودتا می خوانند که به زور انجام می گیرد و اندیشه راهنمایی را با اندیشه راهنمای دیگری و حاکمیتی را با حاکمیت دیگری جانشین می کند. بدیهی است کودتا، با دو تغییر اساسی دیگر همراه و همزاد است: تغییر رابطه با دنیای خارج (= قدرتهای خارجی) و تغییر هدف و روش دولت. کودتاها یک شکل نیستند. کودتاها بسیاری در «ظاهر قانونی» انجام گرفته اند. چنانکه کودتای ۲۸ مرداد، با صدور فرمان عزل نخست وزیری که مصدق بود و فرمان نصب زاهدی به نخست وزیری انجام گرفت. اما چون دولت کودتا مستقر شد همان قانون اساسی که به استنادش دو فرمان صادر شده بود و هدف از عزل و نصب، حاکمیت کردن آن قانون بر دولت و رابطه اش با ملت بود بمدت ۲۵ سال بلا اجرا گشت. همانندهای این کودتا، در جامعه های دیگر نیز انجام گرفته اند و از سوی دانشمندان حقوق و دانش سیاسی، به تفصیل مطالعه شده اند. تعریفی که از کودتا آوردم مورد اجماع اهل دانشهای حقوقی و سیاسی است. اینک، در تحول سیاسی ایران از انقلاب بدین سو، به یمن محکی که تعریف کودتا است، بنگریم و ببینیم این تحول کودتا بوده است و یا همان مسیری را داشته است که انقلاب ایران گشوده بود: ۲ - هدف انقلاب ایران، بنابر روش جنبشی که همگانی بود، استقرار ولایت جمهور مردم بود. هرچند، سه مرجع دوران انقلاب مشروطیت، (آخوند محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا محمد حسین نجل میرزا خلیل تهرانی) در تلگراف به محمد علی شاه، تصریح کرده بودند که

در صفحه ۲

د. صفحه ۴

بوته آزمایش؟

- ◀ آسیب شناسی جنبش: ۲۲ بهمن ۸۸، آزمون محصور کردن جنبش در محدوده رژیم: ص ۴
- ◀ جنبش در آغاز سال جدید - بریز و پیاش رژیم برای مقابله با جنبش - تقابل با قدرتهای خارجی و کاربرد آن در داخل: ص ۶
- ◀ ایران دنباله رو روسیه در آسیای میانه - ایران مسئله اول کنفرانس نیویورک؟ ص ۸
- ◀ فهرست اسامی اعضای مافیایا که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو، تشکیل شده اند - ۵: ص ۹
- ◀ محکوم کردن به اعدام، ترور، «خودکشی» دادن و...! ص ۱۱

انقلاب اسلامی: در جامعه امروز ایران، همه اندیشه های راهنما و روشها که به جامعه پیشنهاد می شوند در بوته آزمایش قرار گرفته اند. طی ۳۰ سال، «چه باید کردها؟» در محدوده رابطه انسان با قدرت، به تکرار آزموده شده و همواره به شکست انجامیده اند. اما با وجود شکست، تکرار شده اند؟ زیرا هم انسان معتاد به اطلاعات از قدرت، محدود دید او محدود قدرت است و هم در این محدوده، شکست مانع از تکرار نیست. انسان به نوعی اعتیاد به تکرار نیز مبتلی می شود. بیرون از این رابطه به فراخنای استقلال و آزادی ذاتی انسان است که به ایران امکان می دهد تجربه جنبش را تصحیح و تا پیروزی پی بگیرند. در فصل اول، گزارش - تحلیلی را می خوانید که کار مشترک اهل بصیرت داخل و خارج از کشور است. این فصل نقدی است راه گشا بسوی بیرون از محدوده رژیم و افتادن در راست راه باز یافت استقلال و آزادی. در فصل دوم، اطلاع ها و داده های حاکی از توأم بودن سرکوب مردم با بذل و بخشش های از ثروت مردم با دستیاران مافیایای نظامی - مالی و گسترشی که سپاه به قلمرو مداخلات خود، این بار در بیرون از مرزها می دهد. در فصل سوم، وضعیت را در آسیای میانه و کوشش روسیه برای برقراری سلطه خویش و تعارضی که از این نظر با چین پیدا می کند و دنباله روی رژیم ایران از سیاست روسیه در این منطقه حیاتی برای ایران، مطالعه شده است. در این فصل، به بحران اتمی و نیز کنفرانس جهانی تجدید نظر در قرارداد منع گسترش سلاح هسته و مسئله اول شدن ایران در این کنفرانس نیز پرداخته شده است. در فصل چهارم، قسمتی دیگر از فهرست اعضای مافیاهائی را آورده ایم که از انقلاب بدین سو تشکیل و بر سرنوشت ایران حاکم شده اند.

به مناسبت از مبارز پی گیر، حسین جواد زاده، انسان آزاده ای پوزش می طلبیم که نامشان به خطا و ناروا در فهرست آمده بود. یکبار دیگر یادآور می شویم که بسا نامهای کسان دیگری در فهرست آمده باشند که عضو هیچیک از مافیایا نباشند و یا تشابه اسمی باشند. از همه آنها نیز پوزش می خواهیم و یادآور می شویم که کاری از این نوع، خطر بسیار در بردارد. می باید با راز داری تمام انجام بگیرد. پس نمی تواند خالی از خطا نباشد.

مجید محقق

آیا می توان از میزان اتلاف در تولید برق کاست؟ (۲)

خلاصه مقاله گذشته:

در مقاله قبل بررسی از میزان اتلاف انرژی در چرخه تولید برق به عمل آمد. حاصل این بررسی معلوم کرد که بنا بر ارقام رسمی، تولید برق در ایران اتلافی بالغ بر ۷۷٪ بار می آورد. در این مقاله نظری به راه حلها می اندازم و اینکه اصولا آیا امکان پذیر است از این اتلاف جلوگیری کرد یا نه؟

مدخل: سؤال این است که آیا می توان برای این هدر رفتن سرسام آور کاری کرد؟ در ساختار فعلی خیر. زیرا ایران چرخه ای از مصرف انرژی را بطور اعم و مصرف برق را بطور اخص دنبال می کند که پایه آن بر پیش خور کردن سرمایه نسلهای آینده است.

در صفحه ۱۳

فرید راستگو

عوامل بازسازی استبداد، بعد از انقلاب ۵۷ چه کسانی بودند؟ (۴)

دوستی که در یک منطقه متوسط نشین تهران زندگی می کند می گفت: هفته گذشته (اوائل اردیبهشت ۱۳۸۹) رفته بودم قدری سبزیجات بخرم که ملاحظه کردم خانمی در حال خرید دو دانه پیاز، دو دانه هویج و چهاردانه گوجه فرنگی بود. وقتی که می خواست پول بپردازد پولش به اندازه کافی نبود و به سبزی فروش می گفت ندارم و بکمر تبه زد زیر گریه و گفت شوهرم جانباز شیمیائی است و توان کار ندارد به کی بگویم پول نداریم و ما نمی توانیم غذای روزانه خود را تهیه کنیم؟ ما بدیخت شده ایم و در ضمن گریه و زاری به خامنه ای فحش می داد.

دوستم می گفت: تازه این خانم از یک خانواده جانبازو معلول است که پول ندارد شکم خود و خانواده اش را سیر کند. حالا فکر بکن کارگران و زحمتکشان و دیگر تهیدستان چه می کنند؟ در صفحه ۱۵

ژاله وفا

سیر تبدیل سپاه پاسداران به مافیایی مالی - نظامی در طول ۳ دهه (۲)

در بخش اول این نوشتار به سیر تبدیل سپاه پاسداران از یک نیروی ایدئولوژیک - نظامی به مافیایی نظامی - مالی از ابتدای انقلاب تاکنون پرداختیم. در بخش دوم این نوشتار به شرح سبزه سپاه پاسداران بر نهادهای امنیتی و قضایی و نیز سبزه شرکتهای تابعه سپاه بر مخابرات کشور، بانکها و ربط قراردادهای نفتی و وضعیت اسفبار سرمایه گذاری در صنعت نفت می پردازم.

خامنه ای خود در باره نفوذ سپاه در همه امور کشور می گوید (تابناک ۸۸/۶/۲۴): "سپاه پاسداران، یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور در طول این بیست و هفت سال شده است!" سپاه پاسداران در حال حاضر در دولت، در مجلس، در قوه قضائیه، در شورای امنیت ملی، در وزارت خانه ها خصوصا وزارت دفاع و خارجه و اطلاعات و اقتصاد و نفت.. در صفحه ۱۲



کودتا بود یا برکناری قانونی؟

بدین قرار، در ۱۲ فروردین برخلاف مصوبه شورایی عالی دفاع که به تصویب آقای خمینی نیز رسیده بود (بنا بر اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، بنای آقای خمینی و دستیاران او، استفاده از جنگ بر ضد بنی صدر و در حقیقت، جانسپین کردن ولایت جمهور مردم با ولایت مطلقه فقیه بوده است. یادآور می‌شود که در فروردین ماه، آقای خمینی خطاب به سران ۸ کشور مسلمان، از آنها خواست حکومت کردن را از بنی صدر بیاورند و ببینند او چسان بر قلبها حکومت می‌کند. شما که دانشجوی تاریخ هستید و هر ایرانی مسئولیت شناسی می‌باید از خود بیروید: چگونه ممکن شد که ظرف دو ماه، کسی که بر قلبها حکومت می‌کرد و سران کشورهای اسلامی می‌باید از او روش حکومت کردن را می‌آموختند، ناگهان فاقد «کفایت سیاسی» شد؟! اما شما حق دارید بپرسید: چگونه ممکن است آقای خمینی در همان تاریخ، از سوتی بنی صدر را کسی خوانده باشد که بر قلبها حکومت می‌کند و از سوی دیگر، بنا داشته باشد از جنگ در کودتا بر ضد او استفاده کند؟ این تناقض رفع می‌شود وقتی شما بدانید آقای خمینی کوشش داشت مرا متقاعد کند با معامله کنندگان با آمریکا و اسرائیل و انگلیس موافقت کنم. این کوشش را در آخرین دیدار، در ۱۵ خرداد ۶۰، نیز بکار برد. بتدریج که از راضی کردن من به کار گذار استبداد گشتن، مایوس می‌شد، به کودتا مایل تر می‌گشت. در این باره، در کتاب «عبور از بحران» آقای هاشمی از قول آقای احمدی خمینی نوشته است (یادداشت ۱۸ اردیبهشت ۶۰):

«عصر، احمد آقا خمینی آمد... قبل از ملاقات با من، با آقای بنی صدر ملاقات داشته، می‌گفت: آقای بنی صدر کم کم به خود آمده و دارد آماده همکاری با دولت می‌شود.»

در حقیقت، پیش از خاتمه جنگ بر وفق پیشنهاد پذیرفته شده از دو طرف ایران و عراق، «عزل رئیس جمهوری» هیچ توجیهی نداشت. جز این توجیهی که خاتمه جنگ برکناری رئیس جمهوری را اگر نام ممکن نمی‌کرد بسیار مشکل می‌کرد و استقرار استبداد همسویی منافع استبدادیان با منافع جنگ افزونی که ادامه جنگ را به سود خود می‌دیدند، شفاف و قطعی است. من کوشیده ام توجیه دیگری برای این شتاب در «عزل رئیس جمهوری» که آقای خمینی آن را «انقلاب سوم» و بزرگ تر از انقلاب اول و دوم خواند، بجویم و نیافتم. شما بعنوان دانشجوی تاریخ نیز بکوشید ببینید آیا توجیهی خالی از تناقض می‌توانید برای آن بیابید؟

گرچه «عزل رئیس جمهوری» را انقلاب سوم و بزرگ تر از دو انقلاب پیشین خواندن، اعتراف به کودتا به فریاد است چرا که عزل یک رئیس جمهوری بر وفق قانون، نه انقلاب است و نه بزرگ تر از دو انقلاب پیشین، اما به لحاظ روش بکار رفته نیز، عمل آقای خمینی و مجلس دست نشانده او، کودتا بود:

۲- بکار بردن قوای مسلح در کودتا: شما نوشته اید کودتا را نظامیان می‌کنند. صحیح اینست که در کودتا، قوای مسلح و یا بخشی از آنها بکار می‌روند. در کودتای خرداد ۶۰، بخشی از سپاه و دادگاه انقلاب و کمیته‌ها نقش تعیین کننده داشتند. بدون استفاده از این قوا، کودتاچیان توان مقابله با مردم را نداشتند. شیوه استفاده از قوای مسلح و دادگاه انقلاب بدین ترتیب بود:

۱-۲/ بیرون کشیدن افراد سپاه پاسداران از جبهه ها و آوردن آنها به تهران، البته بدون اطلاع فرماندهی کل قوا. همزمان، آقای خمینی فرماندهان ارتش را احضار و به آنها

وعده داده بود در صورت بی طرف ماندن ارتش، موقعیت آنها محفوظ است! (به این عهد نیز وفا نکرد. نخستین قربانیان فرماندهان لایق ارتش شدند. از راه بمب گذاری در هواپیما، از میانشان برداشتنند) بیانیه هم از سوی ارتشیان صادر کرده بودند که بنا بر آن، رئیس جمهوری در نیروهای مسلح بدون سمت است. آقای هاشمی رفسنجانی در عبور از بحران (یادداشت ۲۰ خرداد) از این بیانیه سخن بمیان آورده است. در عبور از بحران، شما می‌خوانید که آقایان بهشتی و هاشمی رفسنجانی به بازديد افراد سپاه رفته اند که از جبهه ها به تهران آورده شده بودند. در حقیقت، از ۱۸ خرداد، تهران را اشغال نظامی کرده بودند.

۲-۲/ هرگاه عبور از بحران را بخوانید، گزارش روز به روز کودتا را خوانده اید. از جمله از نقش سپاه (بخصوص اطلاعات سپاه که تحت اداره محسن رضائی بود و با توافق محمد زاده و تهرانی، روزمره، در مأموریت انجام کودتا بوده اند) و دادگاه انقلاب، نیک آگاه می‌شوید. ۲-۲/ رجوع به آقای خمینی (بنا بر خاطرات آقای بهزاد نبوی) در ۲۵ خرداد، برای مقابله با جنبش اعتراضی مردم: در این روز، آقای خمینی، به زشت ترین وجه، اسلام را وسیله کودتا کرد وقتی گفت: از امروز، جبهه ملی مرتد است. شرح حمله افراد مسلح با لباس رسمی و لباس شخصی و دستگیر کردن آنها، از پیش از صدور حکم عزل رئیس جمهوری از فرماندهی کل قوا آغاز شده بود. اما بخصوص از ۲۵ خرداد به بعد است که سامانه یک سرکوب همگانی را می‌جوید.

۲-۲/ حکم عزل رئیس جمهوری در پرگاه شب ۲۰ خرداد ۶۰، خود نقض قانون اساسی و کودتا بود. چرا که دو اصل ۱۱۰ و ۱۱۳ بخشی از فرماندهی کل قوا را به رهبر و بخش دیگری را به رئیس جمهوری داده بودند. با آنکه آقای خمینی، بدون اطلاع رئیس جمهوری، فرماندهی کل قوا را به او تفویض کرده بود، اما با تذکر رئیس جمهوری که قانون اساسی حق تفویض به او نداده است، اختیارات او توسط خود او تصدیق شده بود. رئیس ستاد و فرماندهان قوای سه گانه و فرمانده سپاه با موافقت آقای خمینی و دو مشاور او در شورای دفاع نیز توسط خود او نصب شده بودند. پس او نه اختیاری نزد رئیس جمهوری داشت که پس بگیرد و نه قانون اساسی به او اجازه می‌داد یک مقام قانونی را عزل کند.

۵-۲/ طرفه این که هاشمی رفسنجانی در عبور از بحران می‌نویسد (یادداشت ۲۰ خرداد ۶۰): گویا به دستور امام آقای بنی صدر در کرمانشاه تحت نظرند که از کشور فرار نکنند!

آقای خمینی چه سمتی در قانون اساسی داشت که به او اجازه می‌داد دستور بدهد رئیس جمهوری تحت نظر فرار بگیرد و چرا می‌باید تحت نظر فرار می‌گرفت؟

۶-۲/ بستن اجتماعات مردم به گلوله، شیوه دیگری از بکار بردن قوای مسلح در کودتا بود. در ۳۰ خرداد، قوای مسلح تحت امر کودتاچیان مردم را به گلوله بستند. «قاضیان شرع» دستور دادند زخمی ها را اجهاز (درجا کشتن) کنند. ۷-۲/ ماشین اعدام در همان روزی بکار افتاد که مجلس دست نشانده به عزل رئیس جمهوری رأی داد. اعدام شدگان سال ۶۰ که فهرست شده اند، افزون بر ۲۰۰۰ تن هستند. جنایتی بدین وسعت، در کودتای شیلی توسط پینوشه دست نشانده آمریکا، بر ضد رئیس جمهوری منتخب وقت، آلبنده، نیز دیده نشد.

۸/۲- هنوز مراحل «عزل» انجام نگرفته، بر خلاف قانون اساسی، آقای قدوسی، دادستان انقلاب، رئیس جمهوری را احضار کرد و آقای آیت الله " محمدی گیلانی " حاکم شرع " مدعی شد که بنی صدر باغی با عین و ۷ بار محکوم به اعدام است. زیرا در برابر رهبر ایستاده است! پیش از رأی مجلس دست نشانده و امضای حکم عزل از سوی آقای خمینی، افراد مسلح مأمور توقیف رئیس جمهوری شدند. هرگاه او مخفی نمی‌شد، دستگیر و کشته می‌شد.

می‌بینید که همه این کارها نقض قانون بوده اند و جز کودتا، نامی بر آنها نمی‌توان نهاد. اما هنوز کارهای غیر قانونی دیگری انجام گرفته اند: ۳- در کودتاها جدید، از کارهایی که کودتاچیان می‌کنند، یکی توقیف فله ای وسائل ارتباط جمعی است. در کودتای خرداد ۶۰، بدستور آقای بهشتی (در عبور از بحران، یادداشت ۱۷ خرداد)، می‌خوانید که گرچه توقیف روزنامه ها بنام دادستان انقلاب انجام شد، اما او از آن خبر نداشت و توقیف بدستور آقای بهشتی انجام شده بود) در ۱۷ خرداد، روزنامه ها توقیف شدند. یعنی ۳ روز پیش از صدور «حکم عزل از فرماندهی کل قوا»، کودتا وارد مرحله نهایی خود شده بود.

۴- اما کودتا را آقای خمینی تصدیق کرده است. مجلس بنا بر عبور از بحران، نقش آلت را بازی کرده است: در «عبور از بحران» می‌خوانید (یادداشت ۶ خرداد):

«مأم گفتند: بنی صدر بخاطر طرفایان ناپاکش خودش را حذف می‌کند.» و در یادداشت ۲۵ خرداد، او نوشته است: «احمد آقا تلفن کرد و گفت: امام می‌فرمایند: زودتر مجلس در مورد آقای بنی صدر تصمیم بگیرد. امروز، بنی صدر جواب مفروانه ای به اظهارات امام داده معلوم است نمی‌خواهد به راه بیاید.»

اما آقای خمینی سمتی در قانون اساسی نداشت که به او اجازه دهد به مجلس دستور بدهد زودتر کار بنی صدر را تمام کند. بدیهی است مجلس دست نشانده نیز برخلاف قانون اساسی، دستور اجرا کرده است. زیرا

۱-۴/ در انتخابات مجلس، در سرتاسر کشور، ۶۶ میلیون نفر شرکت کردند. علت عدم شرکت، تقلب گسترده حزب جمهوری اسلامی در انتخابات (از جلوگیری از فعالیت آزاد نامزدها تا ریختن آرای قلابی به صندوق ها و جا به جا کردن آراء) بود. تقلبها آتقدر گسترده و فاحش بودند که شورای انقلاب، با وجود اینکه حزب جمهوری اسلامی، در آن اکثریت داشت، نتوانست با ضرورت بررسی نتایج و ابطال انتخابات حوزه های که در آنها تقلب ها شده بودند، موافقت نکند. چون مسلم شد که رسیدگی به ابطال انتخابات بسیاری از حوزه ها می‌انجامد، آقای خمینی، بر ضد قانون و حق ولایت جمهور مردم کودتا کرد و دستور داد مجلس، محصول همان انتخابات قلابی، افتتاح شود. تن دادن به دستور خمینی را، در کتاب «خیانت به امید» یکی از اشتباه های خود دانسته ام. هرچند تن دادن به آن مجلس، بخاطر آن بود که روشم بر این بود که تا جایی که ممکن است از رویارویی با آقای خمینی بپرهیزم و هرگاه تجاوزهای او به حقوق مردم، رویارویی را اجتناب ناپذیر کرد، تا ممکن است، زمان رویارویی را به تأخیر اندازم. بهر رو، مجلسی چنین، حتی اگر تقلبی هم انجام نمی‌گرفت، تنها از سوی ۳۳ نفر یعنی کمتر از یک هفتم دارندگان حق رأی نمایندگان داشت. آقای خمینی، بر خلاف قانون اساسی، چنین مجلسی را «بالا تر از همه

اما رئیس جمهوری، پیشنهاد رفراندوم بر طبق قانون اساسی را داد. و این آقای خمینی بود که گفت ملت موافقت کند من مخالفت می‌کنم. پس از لحاظ رعایت حق ولایت جمهور مردم که در قانون اساسی بدان تصریح شده بود، عمل کننده به قانون اساسی، بنی صدر و متجاوز به قانون اساسی، خمینی و دستیاران او در کودتا بودند.

در متن پیشنهاد شده به مجلس، که قاعدتا می‌باید نگران ولایت جمهور مردم باشد، رجوع رئیس جمهوری را به مردم «اقدامات تحریک آمیز» خوانده است. حال از خود بیروید و به تاریخ دنیا مراجعه کنید ببینید، در کجا وجه وقت مراجعه رئیس جمهوری به مردم، «تحریک آمیز» و جرم خوانده شده است؟ «اقدامات تحریک آمیز» رئیس جمهوری جز این نبوده است که سال را سال استقامت خوانده و از مردم کشور خواسته است در برابر کودتای خزانده، به استقامت بایستند. شما که دانشجوی تاریخ هستید، به سخنان و کارنامه های رئیس جمهوری در آن تاریخ مراجعه کنید و اگر توانستید یک قول یا اقدام رئیس جمهوری را که تحریک مردم به خشونت باشد، بچوینید.

در برابر، هرگاه آنچه را در عمر خود دیده اید و می‌بینید، کفایت نمی‌کند، برای اینکه از مداومت در تجاوز به حق حاکمیت مردم آگاه شوید، می‌توانید کتاب «غائله ۱۴ اسفند» را بخوانید و ببینید که چماقداران و لباس شخصی ها و ... کار خود را از دوران کودتای خزانده آغاز کرده و تا به امروز ادامه داده اند. گذشته، هرگز گذشته نمی‌ماند. بستر زمان در جریان است. از این رو، گذشته حال و آینده است اگر «قومی بران نشود که تغییر کند» و توانائی تغییر گذشته را بدست آورد. پس اگر به پرسش شما پاسخ می‌دهم، بخاطر حال و آینده است. برای اینست که نسل امروز تکوید در آن گذشته، من نبوده ام و هر چه روی داده است به من مربوط نیست. بدانند که تا آن گذشته را نیک نسناسند و تغییرش ندهند، در آن زندگی خواهد کرد و روز به روز، سیه روز تر از گذشته.

در متن، رئیس جمهوری، متهم شده است به «تضعیف ارگانهای رسمی کشور». اما این ارگانها یکی مجلس بود که توضیح دادم چسان تشکیل شد و چند نوبت به آقای خمینی به خاطر ایجاد مجلس ضعیف، اعتراض کرده ام. عمل این مجلس از زمان تشکیل تا کودتای خرداد ۶۰ و بعد از آن، بطور مستمر، سلب حاکمیت از مردم و تصدیق ولایت مطلقه آقای خمینی بوده است. بر شما که دانشجوی تاریخ هستید، فرض است که اعمال این مجلس را در طول آن ۴ سال (و حتی دوره های بعد تا امروز)، یک به یک بررسی کنید تا از دو امر اطمینان حاصل کنید: یکی این که این مجلس، هیچ تصمیمی که ترجمان ولایت جمهور مردم باشد، نگرفته است و دیگر این که از هیچ کار در استقرار ولایت مطلقه فقیه خودداری نکرده است. پس از این که از وقوع این دو امر اطمینان پیدا کردید، بر شما است که جامعه امروز ایران را از کار بی مانند مجلسی آگاه کنید که بر ضد ولایت جمهور مردم کودتا کرد.

در صفحه ۱۶



در فصل پنجم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را گرد آورده ایم که البته شامل تمامی تجاوزها نمی شود:

آسیب شناسی جنبش: ۲۲ بهمن ۸۸، آزمون محصور کردن جنبش در محدوده رژیم:

انقلاب اسلامی: در روزهای بعد از ۲۲ بهمن، دو شکست، یکی شکست رژیم (میدان آزادی خالی و اشغال نظامی شهرها) و دیگری شکست «رهبران جنبش سبز» که کار را از عمل در محدوده رژیم به هم قدمی با رژیم (دعوت به شرکت در راه پیمانی که رژیم سازمان می داد) رساندند. این روش نیز شکست خورد. اینک که افزون بر دو ماه و نیم از تجربه ای می گذرد که از پیش معلوم بود به شکست می انجامد و نسبت به قطعی بودن شکست هشدار نیز داده شد، در پرتو پی آمدهای شکست دو طرف در ۲۲ بهمن، به آن تجربه باز می پردازیم. این مطالعه بالینی حاصل همکاری مبارزان داخل و خارج کشور است:

* راهپیمایی ۲۲ بهمن - قوت ها و ضعف ها:

ظهر روز پنجشنبه ۲۲ بهمن در پایان راهپیمایی کاملاً برنامه گذاری شده که تحت مهار سپاه پاسداران و بسیج و واواک و نیروهای انتظامی انجام شد، تصاویر و گزارشها به روشنی گزارش می دادند که شرکت کنندگان در راه پیمانی از اینکه بازیه و مورد سوء استفاده قرار گرفته اند سرخورده و ناراحت هستند. چهره ها تکرانی و ناراحتی را نشان می دادند. تکرانی و ناراحتی از اینکه چرا به این سادگی فریب رژیم را خورده و وارد بازی شده اند. کروی و موسوی و خاتمی که از مردم خواسته بودند در همان مسیری راه پیمانی کنند که رژیم مافیها تعیین کرده و مهار می کرد، نتوانستند خود در آن مسیر، در راه پیمانی شرکت کنند. آنها که شرکت نکردند و یا حاضر نشدند در همان مسیر راه پیمانی کنند و بسیاری از آنها دستگیر شدند، عمل در محدوده تحت کنترل رژیم را تجربه کردند و فراخواندن مردم به شرکت در راه پیمانی را به پای ضعف «رهبران جنبش سبز» نوشتند. از این رو، روز ۲۲ بهمن ۸۸، روز رسیدن تجربه جنبش به نقطه تردید و پرسش از هدف جنبش و حوزه عمل جنبش و رهبری جنبش شد.

مبارزان داخل کشور از بابت مدیریت جنبش در ۲۲ بهمن، بسیار سرخورده و غمگین هستند و می گویند: شکست سختی نصیب جنبش ملت ایران شده است. هم به این دلیل که مشاهده می کنند عمل در

بوته آزمایش؟

نیروی محرکه هر ایرانی است که بخواهد در جنبش شرکت کند. پیش از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸، بنی صدر مطالعه خود را در باره رژیم انتشار داد و عواملی را شناساند که رژیم را به مرحله مرگ رسانده اند. با در نظر داشت آن عوامل، عواملی را شماره می کنیم که هر ایرانی روزمره شناسایشان می کند:

۱- در کشوری که نظام آن از سوی درصد بسیار بالایی از افراد جامعه به دلیل ارتکاب جنایات و فریب و تقلب مشروعیات ملی - دینی - سیاسی - اخلاقی و... خود را از دست داده است، نمی تواند بر یک پایه لرزان، دیر بیاید.

۲- بنا بر تاریخ ایران، از جمله تاریخ معاصر، وقتی مردم دست به کار جنبش می شوند، یعنی دولت با ملت به مرحله تضاد حل تکررنی رسیده است. موجهای جنبش می توانند بلند و کوتاه شوند، اما در دراز مدت، به هدف می رسند. با توجه به این امر که رژیم حاکم، رژیم کودتای دائمی بر ضد حاکمیت ملت است، جنبش بر ضد رژیم از خرداد ۶۰ آغاز گرفته است. موجهای بلند و کوتاه داشته است اما هدف آن تغییر نکرده است. چون هدف تغییر نکرده است و آینده ایران در گروه تحقق هدف (حاکمیت ملت)، پیروزی جنبش قطعی است.

۳- در طول سه دهه، رژیم در کار سلب حاکمیت از مردم در تمامی قلمروها بوده است و مردم در کار برقرار کردن این حاکمیت در همه قلمروها بوده اند: مبارزه مستمر زنان بخاطر بازیافت حقوق خویش، مبارزه مستمر دانشجویان برای بازیافت حاکمیت مردم، مبارزه قشرهای مختلف جامعه که همواره با حقوق صنفی شروع می شود و به مقابله با حاکمیت مطلقه فقیه و استبدادیان سر باز می کند. و سر باز زدن همگانی از قوانین و مقررات زور فرموده (حجاب اجباری، ماهواره، اینترنت، برگزاری مراسم ملی و حتی مراسم مذهبی به تریبی که بیزاری از رژیم را نمایان کند و...)

۴- این واقعیت که در طول سه دهه، بطور روز افزون، ابتکار عمل را مردم از آن خود کرده اند و رژیم واکنش شده است. در هر مناسبت، رژیم ممنوع کننده اجتماع مردم بوده است و مردم بی اثر کننده ممنوعیت رژیم به این یا آن شکل. از خرداد ۸۸ تا امروز، ابتکار از آن مردم است و واکنش سهم رژیم. کوششهای رژیم برای بدست آوردن ابتکار ناکام گشته و تا روز اول ماه مه، رژیم جز بکار بردن قوای قهریه، راه حل نداشته است. کلیه تقلاهای رژیم برای رها شدن از فشار جنبش مردم تا به حال نتیجه ای بیارنده است. بناگذاشتن رژیم بر سرکوب، از آغاز سال جدید، حاکی است که از مهار جنبش ناامید گشته است.

۵- در دستگاه اداری و نیز در سازمانهای نظامی و امنیتی، جنبش دو احساس و داوری را برانگیخته است: یکی احساس بیزاری از نقشی که رژیم به آنها داده است توأم با رسیدن به این نتیجه که رژیم توانا به حل مسائل کشور نیست و مدام مسئله بر مسئله می افزاید و با راندن استعدادها، دستگاه اداری را غیر کارآمد می کند. و دیگری این داوری که دولت در

دشمنی با ملت، از آنها یک آلت سرکوب می سازد. بعنوان بخشی از ملت احساس محرومیت شدید تر از مردم عادی به آنها دست می دهد و به این نتیجه رسیده اند که دیگر امیدی به تحول دشمنی به دوستی دولت با ملت نیست. و روز به روز، بیشتر امور کشور سپرده سرکوب گر ترین ها و فاسد ترین ها می شود. این دو احساس و داوری در دستگاه اداری و نظامی عمومی گشته اند.

● بوته آزمایشی که ۲۲ بهمن برای موسوی و خاتمی و کروی شد:

۱- باور به عمل در حیطه نظام این سه و حاصلی که ببار آورده است: این سه مرتب تکرار کرده اند که در این نظام می توان تغییر پدید آورد و مردم را دست کم به بخشی ازخواستهایشان رساند. امری که بر آن اصرار دارند یا به آن تظاهر می کنند، بقای نظام جمهوری اسلامی است. و این به رغم این واقعیت که رژیم از ابتدای انقلاب تا امروز، با رویه کردن جنایت و فساد و خیانت، در شمار جنایتکارترین رژیمهای جهان گشته است. در طول ۳۰ سال، بیشترین مدت را نیز «اصلاح طلبان» حکومت کرده (دوره هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد بر روی هم ۱۳ سال می شود و ۱۷ سال را «اصلاح طلبان امروز» حکومت کرده اند) نتیجه وضعیت امروز ایران است. یادآوری فهرست وار عملکرد رژیم در طول ۳۰ سال، برای معلوم کردن این واقعیت که نگاه داشتن جنبش در محدوده رژیم عقیم گرداندن آنست، بی فایده نیست:

- آغاز کردن کودتای دائمی بر ضد حاکمیت مردم با اقدامهای به اصطلاح انقلابی.

- توقیف نشریات مخالف و تلاش برای به انحصار درآوردن وسائل ارتباط جمعی.

- سلب آزادی عمل از سیاستمداران آزادی خواه و احزاب سیاسی.

- گذار از اعدام سران رژیم سابق به دستگیری و اعدام مبارزان سیاسی شرکت کننده در انقلاب قبل از کودتای سال ۶۰. توجه می دهد که بنی صدر هشدار داد که اعدام را با بدترین ها شروع می کنند و با بهترین ها ادامه می دهند.

- ایجاد ستون پایه های جدید قدرت (سپاه و کمیته و دادگاه انقلاب و بنیاد مستضعفان و جهاد سازندگی و...) که بنفسه کودتا بر ضد حاکمیت مردم بود و بکار سلب این حاکمیت تا امروز رفته اند.

- تسخیر سفارت امریکا و گروگانگیری که خمینی آن را انقلاب دوم و بزرگ تر از انقلاب اول خواند و وسیله کردن گروگانگیری در وسعت بخشیدن به کودتا (ساقط کردن حکومت موقت و تحمیل ولایت فقیه و تشدید فشار به گرایشهای سیاسی مخالف استبداد ملاتاریا)

- معامله پنهانی با گردانندگان حزب جمهوریخواه امریکا و اسرائیل بر سر گروگانها (اکتبر سورپرایز) و سپس با حکومتهای امریکا و انگلیس و اسرائیل و عموم حکومتهای اروپایی (ایران گیت ها) با هدف استقرار استبداد

ملاتاریا از راه ادامه جنگ و سرکوب وحشیانه نسل انقلاب. - زمینه سازی ایجاد جنگ با کمک نیروهای بحران ساز و جنگ طلب از راه ویران کردن شیرازه ارتش و ادامه دادن به گروگانگیری و متوقف کردن رشد اقتصادی، با قراردادن کشور در محاصره اقتصادی و تجاوز به حقوق انسان و گسترش بخشیدن به تجاوز به حقوق انسان.

- انجام کودتا بر ضد رئیس جمهوری منتخب مردم، در خرداد ۶۰، بمثابه پایان سلب حاکمیت از مردم و استقرار ولایت فقیه که به ولایت مطلقه فقیه انجامید.

- اعدام های سراسری در سال ۶۰ بعد از کودتا.

- تجاوز به دختران در زندانهای کشور.

- شکنجه شدید زندانیان تا حد ناقص العضو کردن آنها.

- ادامه جنگ بمدت ۸ سال برای استقرار رژیم استبداد مطلقه فقیه و در نفع امریکا و انگلیس و اسرائیل.

- سرکوب مخالفان با جنگ، حتی مخالفان درون رژیم با توسل به موقعیت جنگی.

- غارت اموال ملت ایران توسط خانواده های مافیایی که گم شدن ۱۰۰ میلیارد دلار، یک مورد از فساد بود که دامن می گسترده.

- ناتوان کردن ارتش و پرتوان کردن سپاه و ایجاد فرصتها برای حاکم شدن سران سپاه بر حکومت و دستگاه قضائی و اقتصاد و سیاست خارجی کشور.

- ترورهای گسترده در داخل و خارج از کشور به قصد محروم کردن جامعه از بدیل دموکرات.

- ادامه جنگ تا شکست و پذیرش قطعنامه با خفت و خواری که به تعبیر خمینی نوشیدن جام زهر بود.

- ایجاد خسارت هزار میلیارد دلاری به کشور در جنگ ایران و عراق.

- کشته و مجروح و معلول شدن صدها هزار نفر در جنگ بی حاصل با عراق.

- اعدام های سراسری در زندانهای کشور در سال ۶۷

- رسمیت بخشیدن به ولایت مطلقه فقیه بعد از پایان جنگ از راه تغییر قانون اساسی.

- باز گذاشتن دست واواک در امور اقتصادی و جنایتهای سیاسی و غیر آن.

- مصرف محور کردن اقتصاد و برقرار کردن سازوکارهای رانت خواری و تصدی انواع قاچاق (مواد مخدر و کالا

) و در اختیار این و آن مافیای قرار دادن واردات کالاها.

- فروش کارخانه ها و زمین ها و خانه ها و مزارع به سران مافیها به ثمن بخش.

- اختلاس های بزرگ و تبدیل نظام بانکی به بردن و خوردن درآمد نفت و انتقال آن به خارج از کشور.

- تبدیل دولت به دولت تروریست و «نهادینه کردن» ترور.

- تبدیل دستگاه قضائی به آلت سرکوب و فسادگستری.

- از میان برداشتن تمامی آثار حاکمیت مردم، از جمله از راه جرم کردن اظهار نظر مخالف با نظر «رهبر» و حتی دست نشاندهگان او و دستگیری گسترده مخالفان و مبارزان که به امری روزمره در طول ۳۰ سال بدل شده است.

در صفحه ۵



- تجاوز به حقوق بشر بمنزله گذار از مرحله سلب ولایت از مردم در اداره امور خویش به مرحله سلب ولایت انسان بر خویش.

- فرار دادن استعدادها از کشور. - بندریج که رژیم تک پایه (چون پایه ای جز ملاتاریا نداشت) از ملت جدا می شد و حاکمیت استبدادی خود را بر مردم برقرار می کرد، نیازمند قدرت خارجی بمنابه تکیه گاه می شد. از این رو، طی سه دهه، بطور مداوم و روز افزون، ثروت و استعداد از ایران به خارج روان است و کار رژیم ایجاد بحران های داخلی و خارجی است.

- برقرار کردن «صلاحیت استصوابی» بمعنای سلب حاکمیت از مردم در حد گزینش نمایندگان مجلس با وجود این که مجلس نقش چرخ پنجم درشکه را می یافت. و تقلب گسترده در انتخابات هم بمعنای پایان بخشیدن به دوره ای که مردم محروم از حاکمیت، در برکار دولت شدن این یا آن تمایل هنوز نقش داشتند.

- تقلب بزرگ انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری که علاوه بر قطعی کردن محرومیت مردم از حاکمیت، تسلط مافیاهای نظامی - مالی را بر دولت قطعی می گرداند.

- کشتار مردم چون به جنبش برخاستند و حق حاکمیت خویش را مطالبه کردند.

- شکنجه های وحشیانه زندانیان در زندانهای مختلف و زندان کهریزک و قتل فجیع زندانیان که افزون بر ۷۰ تن از آنها شناسایی شدند.

- تجاوز به زندانیان زن و مرد در زندانهای کشور.

- قتل جوانان بیگناه به دلیل حضور در تظاهرات آرام.

- قتل و خاکسپاری مخفیانه جوانان بعد از کودتای ۸۸

- برگزاری دادگاههای فرمایشی برای محاکمه «اصلاح طلبان» و همه آنها که در جنبش هنگامی نقش نیروی محرکه را بازی می کنند.

- اعدام جوانان با دادن عنوان «محراب» به آنان و محکوم کردنها به اعدام که همچنان ادامه دارند.

- سرکوب همه جنبشهای غیر سیاسی زنان و معلمان و دانشجویان و کارگران و بازرگانان و روحانیان که در طول سه دهه استمرار داشته و گاه شکل کشتارهای بزرگ را به خود گرفته است (کشتار مردم مشهد و شیراز و اسلام شهر و قزوین و...)

- تحقیر و شکنجه غرور و شخصیت انسان نه تنها در زندانها (فیلمهای اعتراضات) بلکه در تبلیغات رسمی و در تدابیری که رژیم می سنجد و به اجرا می گذارد و بسط ید نزدیک به مطلق که مأموران رژیم در تجاوز به جان و ناموسی و مال مردم پیدا کرده اند.

- توقیف هر وسیله ارتباط جمعی، وقتی جنایتی و فساد و یا خیانتی را افشا کند و یا حتی نظری و خبری را انتشار دهد که به این یا آن مقام مافیائی بر بخورد.

- استقرار سانسور کامل و همه جانبه که در آنچه به وسائل ارتباط جمعی مربوط می شود که از خارج برای ایران برنامه پخش می کنند، با ارسال پارازیت هائی که بر انسان اثر ویرانگر دارد و فیلتر کردن سایت ها و حمله به سایتها با انواع ویروس ها.

- و... هیچیک از جنایتها و خیانتها و فسادهای بالا در دوره احمدی نژاد آغاز نشده اند. با آغاز کودتا بر ضد ولایت جمهور مردم آغاز شده و بدون انقطاع ادامه یافته اند.

● تکیه به بزدلی و ضعف خامنه ای:

۲- سامانه دولت ولایت مطلقه فقیه بدین خاطر که تمایل به استبداد فراگیر دارد، بنفسه، سامانه مند کردن جنایت و فساد و خیانت است. مرکزی

بوته آزمایش؟

دیدگاه جانبدار دموکراسی و حقوق بشر و معتقد به ضرورت حذف ولایت فقیه و دیدگاه لائیک باز پرداخته و دیدگاه دوم را مقدور دانسته و موفقیت در «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» را زمینه ساز «جراحی بزرگ جمهوری اسلامی از غده سرطانی استبداد دینی» دانسته است. او نوشته است:

«تفسیر قانون اساسی بر خلاف روح و جهت گیری کلی آن مجاز نیست. نمی توان برخی اصول قانون اساسی را به گونه ای تفسیر کرد که برخلاف اصول حاکی از اهداف عالی نظام مصرح در خود آن قانون باشد. اگر بسیاری از عالمان دین و فقیهان و نیز اکثریت شهروندان از تفسیر مفسران رسمی قانون اساسی - یعنی شورای نگهبان - ناراضی باشند، معنای این سخن همان استنتاج تاریخی اعلم فقیهان قم است: "این رژیم نه جمهوری است نه اسلامی".

زمانی که بخشی از اصول قانون اساسی - مثلا اصول مدافع حقوق شهروندی ملت - توسط حکومت به طاق نسیان سپرده شد، مهمترین وظیفه شهروندان پافشاری بر احیای این اصول از طرق مسالمت آمیز از جمله تظاهرات خیابانی است. با توجه به اینکه نهادهای پیش بینی شده در قانون اساسی به عنوان تجلی اراده ملی عملا توسط حکومت به نحوی مهندسی شد که اراده ملی در لابلای دستگاه دیوانسالاری حکومتی له شده، به نحوی که محصول انتخابات مجلس و شوراها و ریاست جمهوری و خبرگان اسما منتخب ملت و رسما منصوب حکومت باشند، ارتقای سطح آگاهی های عمومی و مبارزه قانونی برای بازگرداندن نظام از انحراف بنیادی اقدامی اخلاقی و دینی است.

با توجه به اینکه برخی اصول قانون اساسی با برخی برداشتها از پاره ای اصول آن در ارتباط با مدیریت کلان کشور با قوانین امره ای از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی مدنی سیاسی که اتفاقا حکومت ایران آنها را امضا کرده و بر اساس موازین حقوق بین الملل موظف به رعایت آنهاست معارض است، در نخستین زمان ممکن می باید برای اصلاح قانون اساسی و پاکسازی آن از استبداد دینی اقدام کرد.

با عنایت به اینکه قانون اساسی از تعارض درونی رنج می برد، در تعارض حقوق مردم با نوعی حکومت فردی یکه سالار می باید با اتکا به عقبه قدرتمند مردمی تفسیری حقوقی و اخلاقی از بخش غیر دموکراتیک قانون اساسی را بر کسری نشانند. بخصوص آنکه اسلام رحمانی با نظارت نهادینه بر قدرت سیاسی و محدودیت آن کاملا سازگار است. اسلام علوی و حسینی هرگز استبداد دینی و یکه سالاری بنام تشیع را بر نمی تابد.

تمسک به قانون اساسی مطالبه ای حداقلی و کف سلائق گوناگون منتقدان وضع موجود است. اگر جنبش توانی بیش از این داشت ممکن بود اصلاح را از کانون فساد نظام آغاز کرد، اما تکیه بر قانون اساسی بهترین زمینه ساز جراحی بزرگ جمهوری اسلامی از غده سرطانی استبداد دینی است. افتادن در دام مطالبات حداکثری که در تاب و توان فعلی جنبش نیست، یا اصولا با فرهنگ و ارزشهای اسلامی مورد قبول اکثریت ملت ایران سازگاری ندارد، زمینه را برای سرکوب بیشتر مبارزان از سوی حاکمان و در نتیجه ناامیدی و یاس نسل جوان از عدم موفقیت جنبش فراهم می کند.

● تقاضای بدون تنازل قانون اساسی یا تسلیم صاحبان حق به غاصبان زورمدار حق حاکمیت مردم؟

کدیور در نوشته دوم خود، به تاریخ ۷ اردیبهشت ۸۹، به چهار دیدگاه (دیدگاه ولایت مطلقه فقیه و دیدگاه اجرای بدون تنازل قانون اساسی و

خودکامگی و انحصار طلبی" را از اهداف جمهوری اسلامی می شمارد. اصل ششم بنیان "اداره امور کشور با اتکا بر آراء عمومی" را ترسیم می کند. اصل نهم تفکیک ناپذیری آزادی و استقلال در ایران است و اینکه هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مصرح و مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. راستی آیا با همین یک اصل کارنامه دومین رهبر جمهوری اسلامی نمره مردودی نمی گیرد؟

اصول ۲۲ تا ۲۷ و ۳۲ تا ۳۹ کف حقوق شهروندی ملت ایران است که توسط حکام جمهوری اسلامی نقض شده است. اصل ۵۶ حق حاکمیت ملی است. اصل ۵۹ همه پرسی را به رسمیت شناخته است. اصل ۷۹ ممنوعیت حکومت نظامی است. شرط فقهی شورای نگهبان "عدالت و آگاهی به مقتضیات زمان و مسائل روز" است. تفسیر نظارت شورای نگهبان بر انتخابات در اصل ۹۹ به نظارت استصوابی برخلاف مسلمات علم اصول فقه و دانش حقوق است. اصل ۱۰۸ دست اعضای خبرگان را برای کلیه مسائل مرتبط با ایشان باز گذاشته است.

اصل ۱۰۹ سه شرط را از جمله شرایط و صفات رهبر برشمرده است: "اول، صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛ دوم، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ سوم، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری". بر اساس فتوای ۱۹ تیر ۸۸ مرحوم آیت الله منتظری بر اساس موازین فقه جعفری، رهبر جمهوری اسلامی بویژه با اقدامات خلاف شرع یک سال اخیرش فاقد هر سه شرط است. بر این مبنا صدر اصل ۱۱۱ یعنی برکناری وی محقق شده است. خبرگان قانون اساسی بر اساس انتخابات مهندسی شده جرات عمل به وظیفه قانونی خود یعنی کشف از عزل را ندارند.

اصول ۱۶۵ تا ۱۶۸ ضوابط دادرسی عادلانه را مشخص کرده است. اصولی که هرگز در جمهوری اسلامی اجرا نشده است. بر اساس اصل ۱۷۲ تأسیس هر نوع دادگاه ویژه - به استثنای دادگاه نظامی برای پرسنل نیروهای مسلح - ممنوع است.

کدیور خواسته است دوستداران اعتلای ایران در باره قانون اساسی و نوشته او اظهار نظر کنند. این کار بعد از انتشار مقاله اول او به عمل آمده است و از نوشته دوم او پیدا است که نقدها را خواننده است. از نو، شماره های اصول قانون اساسی را که بزعم او بیاتر حقوق مردم هستند، ذکر کرده است. اما اگر عین این اصل ها را نقل می کرد، درجا، بر تناقضی گوئی خود پی می برد و در می یافت که ناممکن را ممکن می بیند و نمی بیند که سدی که مانع گسترش جنبش و بسا ادامه آن تا پیروزی می شود، ماندن در چهارچوب رژیم و قانون اساسی آنست. زیرا:

۱- مانع اصلی که در دو نوشته کدیور و سخنان خاتمی و موسوی و کروبی خود را آشکارا نشان می دهد، اینست که اندر نمی یابند که مجال را ممکن جلوه می دهند. دو گزینه را به تصور می آورند: یکی تغییر رژیم و استقرار دموکراسی و می گویند در توان جنبش نیست و دیگری فشار از مردم بقصد باز کردن فضا به ترتیبی که جامعه مدنی قوت بگیرد و حزبهای نیرومند پدید آیند و بتوانند دولت را تصدی کنند و «غده سرطانی» را عمل کنند. اما بنا بر تجربه، نه رژیم شاه این امکان را به جامعه و احزاب داد و نه رژیم ولایت مطلقه فقیه. چنانکه در انتخابات تقلب کرد و حزب های مجاز را بست و می بندد. چون بنای کار خود را بر

ولایت جمهور مردم و سازمان یافتن این ولایت در جریان جنبش نمی گذارند و با ماندن در محدوده رژیم، نقشی برای مردم بیشتر از اهرم فشار قابل نیستند، نه تنها توانا به رهبری جنبشی که به آن رنگ سبز داده اند، نیستند، بلکه دارند به موانع جنبش بدل می شوند. هرگاه از سه جنبش همگانی پیشین درس بگیرند و استقرار ولایت جمهور مردم را هدف شناسند و دست بکار سازمان دادن به ولایت جمهور مردم بشوند - کاری که در امریکا بهنگام جنگ استقلال و در کشورهای اروپائی و هند شد و در جنبش های پیشین ما ایرانیان از آن غفلت کردیم - از زندان دو نا ممکن بیرون آمده اند و وارد گستره ممکن شده اند.

۲- اصل الاصول این قانون که اصول دیگر قانون در رابطه با آن تنظیم شده اند، ولایت مطلقه فقیه است. از «اجرای بدون تنازل قانون اساسی»، حتی اگر مقصود این باشد که اصول گرایان جای خود را به اصلاح طلبان بسازند و نقش مردم بیشتر از عامل فشار گشتن نباشد، مقصود حاصل نمی شود. چرا که با «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» نه آزادی بیان ممکن می شود و نه آزادی اجتماعات و نه آزادیهای دیگر. زیرا

● اصل نهم پیشنهاد بنی صدر و انشاء و املاء آن نیز از او است. اما تحقق آن ملازمه دارد با الغای اصل ولایت مطلقه فقیه و حذف قید مگر با «مبانی اسلام» و یا... در اصولی که کدیور ذکر کرده است. چرا که

- اگر اجتماع کردن حق است، مبانی اسلام ناقض این حق، ناحق می شوند. و اگر اجتماع محدود به این مبانی مجاز است، غیر از این که محدود کردن حق نفی آنست، مهمترین مبنا از «مبانی اسلام» در قانون اساسی که به قول آقای خمینی مقدم بر احکام دیگر و مسلط بر آنها است، ولایت مطلقه فقیه است. از این رو، هر اجتماع مخالف با ولایت مطلقه فقیه، غیر قانونی است. هرگاه بنا بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی شود، پس از آنکه «رهبر» و شورای نگهبان تحت امر او انتخابات قلابی را سالم تشخیص دادند و اجتماع در اعتراض به آن را جایز ندانستند، اجتماع غیر قانونی می شود.

- اما اگر قول کدیور این باشد که ولایت مطلقه فقیه از مبانی اسلام نیست، غیر از این که مبارزه با آن و جنبش برای الغای آن تقدم می جوید، این «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» است که آب در هاون کوبیدن و نا ممکن می شود. زیرا اجرای هر اصلی، مشروط به رعایت اصل ولایت مطلقه فقیه است.

● غیر از این که قوه قضائیه مسئولیت اول خویش را حفظ نظام می شناسد، اصول قانون اساسی که به قوه قضائیه و قضاوت راجع می شوند، چنان تدوین شده اند که اجرای آنها، ایرانیان را از حقوق انسان و حقوق عمومی خود محروم می کند. زیرا

- بنا بر اصل ۱۵۸، وظیفه قوه قضائیه، از جمله «گسترش عدل و آزادیهای مشروع» است. به ترتیبی که توضیح داده شد، «آزادی» مشروع است وقتی مخالف «مبانی اسلام»، پیش از همه، اصل ولایت فقیه حتی مطلقه آن، نباشد.

- بنا بر اصل ۱۶۸، جرم سیاسی را قانون بر اساس «موازین اسلام» اسلام معین می کند. آیا بر طبق این قانون اساسی، می توان قانونی را وضع کرد که، در آن، مخالفت با ولایت مطلقه فقیه، جرم نباشد؟ بنا بر این اصل که کدیور خواستار اجرای آنست، جرم سیاسی، اساسا قول و فعل مخالف «موازین اسلام» است. طرفه این که



در قانون اساسی، معلوم نشده است «موازین اسلام» کدامها هستند. باز اگر قرار باشد، برای سر درآوردن از «موازین اسلام» به سراغ فقه برویم، باز این پرسش پیش می آید که ولایت مطلقه فقیه که در قانون اساسی، اصل الاصول است، مورد تصدیق فقه هست یا خیر؟ اگر ولایت مطلقه فقیه مورد تصدیق فقه نیست و جعل در دین است، پس کار اول، الغای این اصل و پاک کردن اسلام از لوٹ وجود است. هر کار دیگری، ناممکن و جنبش برای اجرای «بدون تنازل قانون اساسی» در پی سراب شدن، از راه خود فریبی است.

● در نوشته کدیور، تناقضهای آشکار بسیاریند. او این تناقضها را ندیده است. بدین لحاظ که بنایش بر توجیه یک موضع سیاسی بوده است. غیر از تناقضهای بالا، به دو تناقض آشکار دیگر بپردازیم:

- «غده سرطانی»: روشن است که مقصود او از غده سرطانی، ولایت مطلقه فقیه است. اما باوجود غده سرطانی، چگونه می توان از «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» سخن گفت؟ وقتی غده سرطانی وجود دارد، نخستین کار و فوری ترین کار، جراحی است. زیرا، تنها نظام قانونمند نیست که از میان می برد بلکه حیات ملی است که با خطر مرگ روبرو می کند. این غده سرطانی در سراسر قانون اساسی، بلحاظ قانون راهنما و در سراسر دولت، بلحاظ ایجاد بافت تاریخی مافیاهای نظامی - مالی، ریشه دوانده است و نیاز به یک جراحی بزرگ و بس فوری دارد.

- در رابطه با قدرت است که کدیور توانایی مردم ایران را می سنجد. مردم نتوانند زیرا «زور رژیم پر زور است!» منطق صوری تقابل صاحب حق و غاصب حق را از یاد او می برد و او را از قاعده ای که قرآن بدست می دهد نیز غافل می کند: حق می آید و باطل می رود. در حقیقت، هرگاه مردم ایران حقوق خویش را باز بشناسند و آنها را به اجرا بگذارند، رژیم چون برف آب می شود. حال آنکه اگر توانایی به قدرت سنجیده شود، مردم نمی توانند نقشی جز عامل تنظیم کننده روابط قوا در درون رژیم، به زیان دائمی خود، پیدا کنند. چنانکه در طول ۳۰ سال، نقشی جز این نداشتند و این نقش را نیز اینک از دست داده اند.

اگر کدیور لازم دیده است مقاله اول خود را باز نویسد و آن را تفصیل بدهد، بدین خاطر است که ایرانیان هر روز بیشتر از روز پیش متوجه این امر می شوند که راه حل الغای ولایت فقیه و برقرار کردن ولایت جمهور مردم، از راه از میان برداشتن ستون پایه های دولت قدرتمدار و سازمان دادن ولایت جمهور مردم و استوار کردن دولت حقوق مدار بر این سازماندهی است.

● خطا در روش مبارزه، تصحیح شده ها و تصحیح نشده ها:

محدود کردن حوزه مبارزه به قلمرو رژیم، با خطاهای دیگری همراه شده است. برخی از این خطاها، تصحیح شدند اما پاره ای دیگر نه: - خطای ناشی تصور غلط از رابطه هدف با روش. هدف وسیله را توجیه نمی کند بلکه هدف در روش بیان می شود. جنبش همگانی روشی است

بوته آزمایش؟

خبر نگارش نامه از سوی خاتمی به سید علی خامنه ای انتشار می یافت. زمان دیگری نگارش نامه تکذیب و سپس تصدیق می شد. این روش ضد جنبش بود و بسیار بیشتر از سرکوبهای وحشیانه رژیم اثر کرد. تا جایی که امروز، بخشی از اصلاح طلبان نیز دیگر حاضر نیستند سرنوشت خود را به دست این سه بسپارند.

- عدم ارتباط مستمر با مردم از راه ارائه راه و روش درخور، بطور مداوم و افتادن ابتکار عمل به دست کسانی در خارج کشور که از دید مردم خوشنام نیستند و راه کارهای آنها، بیشتر از صدای امریکا و کمتر از بی بی سی، راه کار قدرت خارجی، تلقی می شود. این خطا تا حدودی جبران شده اند. از نوزده بدین سو، موسوی و کروبی تا حدودی ابتکار عمل را بدست آورده اند.

جنبش در آغاز سال جدید - بریز و پیاش رژیم برای مقابله با جنبش - تقابل با قدرتهای خارجی و کاربرد آن در داخل:

وضعیت جنبش در ماه اول سال جدید:

با آغاز سالجاری، استبدادیان اینطور تبلیغ می کردند که فتنه خوابیده است و امسال می توانند با خیال راحت بر مردم حکومت کنند و هر کس زبان به اعتراض گشود، زبانش را بدوزند. اما هر روز که گذشت، به واهی بودن تصور خود بیشتر پی بردند. تازه متوجه شده اند که یکی از اشکال جنبش، به خیابانها در آمدن و شعار بر ضد رژیم دادن است. شکل دیگر آن تشدید حالت بیزاری از رژیم و ابراز این بیزاری در همه جا و هر فرصت است. این روش همراه با حالت آماده باش برای حضور در خیابانها، مأموران سرکوب رژیم را سخت فرسوده کرده است. فرمانده نیروهای انتظامی می گوید: آنچه بیشتر از همه سبب تلفات نیروهای انتظامی می شود، ناراحتی های عصبی است. اعتراف بس شگرفی است. زیرا اثر جنبش همگانی را بر فرسایش قوای سرکوب، آشکارا بیان می کند. اول ماه مه، جنبش اعتراض روی داد. وسعت لازم را نداشت اما به رژیم حالی می کرد که جنبش ادامه دارد. شعار «دروغ بر ضد ولایت فقیه» و «آزادی، عدالت اینست شعار ملت»، هم هدف را مشخص تر می کردند و هم می گفتند که مردم نخواهند گذاشت سران رژیم و عوامل سرکوبشان بیسایند. به فرسودن آنها ادامه خواهند داد.

از ابتدای امسال جنبش آنقدر گسترده شده است که رژیم هیچ راهی به جز توسل به زور ندارد و توسل به زور نیز سرعت فرسایش را بیشتر می کند.

● در زیر نخست فعالیت ها را فهرست می کنیم و آن گاه انواع برخورد های رژیم را با فعالیت ها می آوریم:

- گسترش فعالیت گروهها و احزاب و افراد.
- دیدارها گروه های حزبی و دانشجویی با موسوی و کروبی و خاتمی ... بقصد ایجاد فرصت برای موضعگیری در برابر رژیم و بنایش بر سرکوبگری.
- دیدار موسوی با برخی چهره های ملی - مذهبی.
- دیدار برخی روحانیون با موسوی و کروبی و خاتمی.
- دیدار برخی چهره های شاخص با مراجع تقلید در قم و عدم دیدار برخی مراجع قم با احمدی نژاد.
- برگزاری همایش و جلسات مختلف از سوی چهره های شاخص جنبش در خارج از کشور.
- فعالیت وب سایت ها و وب لاگ های حامی جنبش در داخل و خارج از کشور.
- افزایش بیزاری مردم از حاکمان و ابراز این بیزاری به اشکال گوناگون.
- تشدید فعالیت نیروهای دانشجویی در دانشگاهها.
- برقراری ارتباط میان قشرهای مختلف اجتماعی جهت گسترش جنبش.
- دیدار برخی چهره های شاخص گروههای کارگری - دانشجویی - زنان - معلمان با یکدیگر در ارتباط با آغاز مجدد حرکت در جامعه.
- انتشار مصاحبه های برخی چهره های شاخص جنبش در داخل و خارج در رابطه با ادامه حرکت.
- نامه نویسی و مبارزه زندانیان سیاسی از داخل زندان به مجامع حقوق بشری داخل و خارج از کشور و مراجع تقلید در داخل.
- فشار سازمانهای حقوق بشری در رابطه با شیوه برخورد با مبارزان سیاسی در داخل و خارج از زندان.
- افشاگری های وب سایت های مرتبط با جنبش در خارج از کشور.
- ادامه حرکت رسانه های حامی جنبش و دادن تحلیل های درست از وضعیت موجود، در خارج از کشور.
- برگزاری همایش ها و بحث های آزاد از سوی چهره های شاخص آزادیخواه و ملی ایرانی در خارج از کشور.
- گسترش فعالیت های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - مشارکت - حزب کار و ...
- گرایش به اتحاد عمل در اول ماه مه، در داخل و خارج از کشور.
- شعار نویسی بر دیوارها و پاره کردن صدها هزار پوستر سید علی خامنه ای که رژیم چاپ و در خیابانها و ... نصب می کند.
- افزایش لطیفه ها که موضوع آنها فعالیت های دروغین دولت و آمار قلابی است.
- افزایش انزجار ملت از مجلس دست نشانده، به دلیل اطاعت از نامه رهبری

در حمایت از دولت در قضیه یارانه ها و ابراز این انزجار در هر فرصت، از جمله در فرصت اول ماه مه.

- گسترش جنبش اعتراضی کارگران.

● سخت تر شدن وضعیت اقتصادی و روشی که رژیم در پیش گرفته است:

- آغاز فشار اقتصادی بر مردم و افزایش نرخهای تورم و بیکاری.
- تشدید تعطیلی کارخانجات و اخراج کارگران.
- شدت گرفتن فرار استعدادها از کشور.
- فرار سرمایه ها از کشور بلحاظ بی ثباتی داخلی و تهدید ایران به مجازات اقتصادی و حمله نظامی.
- لاینحل ماندن بحران سیاسی رژیم که تقاب بزرگ آن را به یک آتش فشان در حال آتش فشانی بدل کرده است.
- توسعه دامنه تسلط مافیاهای نظامی - مالی بر دولت و اقتصاد کشور.
- اما راه حلی که رژیم بکار می برد:
- فشار بر هاشمی رفسنجانی و دستگیری برادر همسر او، حسین مرعشی و احضار فرزند او مهدی به دادگاه و دستگیری نوه او فرزند فائزه هاشمی. مسئول مجله پرتو سخن می گوید: در انتخابات سال آینده هیأت رئیسه مجلس خبرگان، هاشمی رفسنجانی از ریاست این مجلس برکنار می شود و صلاحیت حسن خمینی، در صورتی که نامزد ریاست جمهوری شود، رد می شود!
- فشار به خاتمی و مانع شدن او از خروج از کشور و حمله به مقبره پدر او.
- حمله به بیت آیت الله صدوقی و تهدید او.
- دستگیری مجدد برخی آزاد شدگان بعد از انتخابات.
- سخنرانی های برخی نمایندگان بر ضد هاشمی - خاتمی - موسوی و کروبی در مجلس.
- فشار برخی نمایندگان برای برخورد قضایی با «سران فتنه» (موسوی و کروبی و خاتمی).
- اخراج برخی اساتید از دانشگاهها.
- اخراج برخی دانشجویان از دانشگاهها.
- توقیف برخی مطبوعات (نشریه بهار).
- توقیف و سانسور برخی وب سایت ها که تقریباً بی اثر بوده است.
- توقیف پروانه های حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.
- نمایش بی در پی چهره خامنه ای در حال تهدید دشمنان به نابودی!
- نمایش خالی بندی های احمدی نژاد که این روزها برای فریب افکار عمومی دست به لودگی های جدید زده است از جمله - شایعه زلزله در تهران و دعای مردم که موجب عدم فعالیت های گسل های تهران شده است - واگذاری یک میلیون تومان به هر نوزاد - استخدام ۱۰۰ هزار نفر در آموزش و پرورش - استخدام ۲۵ هزار پرستار - واگذاری خانه های ساخته نشده به مردم - جشن دروغین هسته ای - رسیدن تورم به صفر درصد و ...
- برگزاری همایش شکست خورده بین المللی تهران برای نمایش در انزوا نبودن رژیم که اثر معکوس بیار آورد.
- تشدید برخورد با کارگرانی که



حقوق خود را دریافت کرده اند در چندین شهر.
- صدور احکام اعدام و زندانهای درازمدت برای شرکت کنندگان در جنبش.

- باز سازی زندان کهریزک با نام «سروش ۳» (موضوع نامه مهدی خزعلی به شیخ صادق لاریجانی) - و...

رژیم، بیشتر از پیش، در تنگنا است. میان سازش با مخالفان و سرکوب، در حال حاضر، دومی را برگزیده است. و بنا بر تشدید سرکوب دارد. اما ظرفیت سرکوبگریش دارد پر می شود. نخست به سراغ تشدید بحران اتمی رفت. اما حالا دو دل است. زیرا احتمال می دهد بحران پیش از پیش ضعیف کند. در خرداد ۶۰، خمینی و دستیاران او کودتا کردند و جنگ را نعمت شمرند و ادامه دادند زیرا به آنها امکان می داد با وحشیانه ترین سرکوبها، استبداد خود را برقرار کنند. اما امروز،

۱- جنگی در شکل حمله هوایی ممکن است روی دهد. تا این زمان، رژیم از حالت جنگ و تهدید شدن ایران به جنگ سود می برد اما فلج رژیم و وخامت وضعیت اقتصادی، گرچه وضعیت اقتصادی را بلحاظ خودداری از سرمایه گذاری و فرار نیروهای محرکه بدتر می کند، اما رژیم را از آهیم که هست ناتوان تر می کند. تکاپوهای اخیر احمدی نژاد و متکی و خامنه ای از فرار ناشی از تکران شدن اینان از طولانی شدن حالت جنگ و تهدید به جنگ است.

۲- گسترش درگیری های داخلی و دستگیری ها و اعدام گسترده مخالفان و حتی کشتار معترضین در خیابانها که در حال حاضر برخی از نیروهای سرکوب گر داخلی به شدت خواستار به وجود آوردن چنین وضعیتی می باشند. در وضعیت بد اقتصادی و فلج دولت مافیها، ظرفیت سرکوب رژیم کاهش یافته است و کمتر نیز می شود.

* بذل و بخشش از بودجه متعلق به مردم ایران به کارگزاران رژیم مافیهای نظامی - مالی :

در لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ و جداول مربوط به هزینه ها و کمک ها، برخی ارقام ذکر شده اند گویای این واقعیت است که سرکوب مردم همراه است با بذل و بخشش اموال آنها به کارگزاران رژیم مافیهای نظامی - مالی. این یادآوری نیز بیجا است که این بذل و بخشش ها غیر پرداخته شده است که از محل های دیگر و به صورت مخفی به این دفاتر و مجالس و نهادها و ستادها و مؤسسات و افراد و ... پرداخت می شوند. علاوه بر این در بسیاری از وزارت خانه ها و مؤسسات و نهادها، پرداخته های به افراد و مؤسسات در زیر مجموعه همان وزارتخانه یا نهاد بعمل می آیند که در بودجه قید نمی شوند:

۱- نهاد ریاست جمهوری مجموعاً بیش از ۶۳۳ میلیارد تومان که، از جمله، شامل ارقام زیر است:
● ۴۸ میلیارد تومان دفتر رئیس جمهور به ریاست نماینده جعلی امام زمان، اسفندیار رحیم مشایخ پدر عروس احمدی نژاد.
رحیم مشایخ که اخوان و برادر زاده های ایشان به دلیل "نجیگی و تخصص" در مقامات بالای شرکت سایپا قرار دارند، خود علاوه بر مدیریت بر هزینه کردن این مبلغ، مبلغی دیگر تحت عنوان موسسه آینده دریافت می کنند.

بوته آزمایش ؟

حکومت مصادره شد و مسئول آن تغییر کرد و البته بعد از دستگیری و ضرب و شتم، خبرگزاری از آن حکومت شد. کارش تبلیغ حکومت گشت. زیرا مردم به خبرگزاری هایی مانند صدا و سیما و ایرنا و فارس و مهر و ... هیچ اعتمادی نداشتند. وقتی دانستند خبرگزاری ایسا نیز تحت نظر حکومت می باشد نظرشان نسبت به این خبرگزاری تغییر کرد.

● ۹/۵ میلیارد تومان موسسه نشر آثار امام - این موسسه که زیر نظر حسن خمینی اداره می شود در طرحی جدید که از سوی احمد توفلی به مجلس ارائه شده قرار است که زیر نظر رهبری اداره شود شاید این بودجه از این نظر جالب باشد که زمینه انتقال آن را فراهم می آورد.

● ۶ میلیارد تومان دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی دولت: این بودجه به جز بودجه ای است که دولت به دیگر نهادهای اطلاع رسانی خود از قبیل خبرگزاری ها پرداخت می کند. جوائفکر و دوستان او در این بخش به کار مشغول هستند.

● ۶ میلیارد تومان دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی - محلی که در حال حاضر آن کارایی گذشته را ندارد زیرا خود احمدی نژاد در کلیه امور به عنوان رئیس عمل می کند و در نتیجه حضور افرادی مثل سعید جلیلی و با علی لاریجانی و حسن روحانی در این مقام بیفایده بود زیرا هر کاری که احمدی نژاد شخصا لازم می دانست می کند و دیگر کاری برای این شورا نداشته است. این شورا تنها به مسائل امنیت داخلی می پردازد.

● مبلغ دیگری در بودجه برای برخی از موسسات و نهادها منظور شده اند که به شرح زیر اشاره می شود:

● ۳ میلیارد تومان مجلس خبرگان رهبری - اما این مبلغ تنها هزینه برگزاری دو جلسه در سال این مجلس است. زیرا یک از بیش از ۸۰ نفر عضو این شورا علاوه بر کمک های مالی که از بیت دریافت می کنند، حدود ۵ میلیون تومان هزینه خدم و حشم و محافظ و راننده و مسئول دفتر دریافت می کنند. به جز حقوق دریافتی خود آنها و پاداش شرکت در هر جلسه و ... که به حدود ۱۲ میلیون تومان در ماه می رسد. بنابراین مبلغ هزینه افراد این شورا در سال، به جز هزینه ستادی و جلسات، حدود ۱۰ میلیارد تومان خواهد بود.

● ۲۱ میلیارد تومان بودجه مجمع تشخیص مصلحت و مرکز تحقیقات دبیرخانه این مجمع - مجمع تشخیص مصلحت که شاید یکی از مهمترین نهادهای این نظام باشد ۲۱ میلیارد تومان هزینه در سال دارد در حالی که این مبلغ از مبلغ کمک به افراد در ستاد ریاست جمهوری کمتر است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در سالهای اخیر به دلیل حضور هاشمی در راس آن و حضور برخی دیگر از افراد که تا حدی از حاکمیت مطلقه دور شده اند زیاد مورد نظر رهبری نیست و تحویل گرفته نمی شود.

● ۱۲۵ میلیارد تومان مجلس شورای اسلامی - در بودجه مطرح شده به نظر می رسد که این مبلغ تنها در رابطه با هزینه های مجلس می باشد و ربطی به حقوق و مزایای نمایندگان و نیروهای همراه و محافظ و راننده و ستادهای آنها در تهران و شهرستانها که بالغ بر بیش از ۱۰ میلیون تومان در ماه برای هر نماینده است، ندارد.

● با کسر مبلغ ۲۵ میلیارد تومان پرداختی جهت کمک به دیگران و فلسطین و کتابخانه و مرکز پژوهشهای مجلس مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان تنها جهت انجام امور مجلس می باشد:

- ۵ میلیارد تومان مرکز پژوهشهای مجلس.

- ۵ میلیارد تومان کتابخانه مجلس.

- ۱ میلیارد تومان کنفرانس حمایت از فلسطین.

- ۱۴ میلیارد تومان کمک به اشخاص.

● ۲۷ میلیارد تومان شورای نگهبان - شورای نگهبان ولایت مطلقه فقیه با در اختیار داشتن ۶ عضو فقیه وابسته به ولایت و ۶ عضو حقوقدان حامی ولایت و دهها عضو حامی ولایت در بخش های مختلف و دارا بودن دفاتر در کلیه شهرهای ایران، بودجه بسیار بیشتر دارد. این بودجه تنها هزینه ستاد - حقوق اعضا و حقوق محافظان - رانندگان و همراهان آنان باید باشد. زیرا در چند سال قبل این شورا جهت بررسی و تحقیق در مورد کاندیداهای نمایندگی مجلس مبلغ ۴۰ میلیارد تومان دریافت کرد که علاوه بر مبلغ در نظر گرفته شده در بودجه بوده است.

در بودجه سال ۸۹ به جز برخی ارقام فوق، مبلغی به برخی افراد و موسسات پرداخت می شود که تنها دلیل آن حمایت هایی است که از حکومت می کنند. البته بسیاری از دیگر پرداخت هایی که انجام می شود در لایحه آورده نمی شوند و به صورت زیر میزی پرداخت می شود. مانند پرداخت مبلغ میلیاردی به برخی از مراجع تقلید و ائمه جماعت مانند نوری همدانی و علم الهدی امام جمعه مشهد و...

● ۱/۲ میلیارد تومان بودجه موسسه آینده روشن - مهدویت - موسسه ای که رحیم مشایخ یار جعلی امام زمان مدیریت آن را بر عهده دارد. این مبلغ به جز مبلغی است که رحیم مشایخ متسکون الهویی در دفتر ریاست جمهوری خرج آن را در اختیار دارد. این موسسه برای بررسی راه حرکت امام زمان و کشیدن نقشه آن و برخی تبلیغات در لایحه بودجه از مبلغ ۱.۲ میلیارد تومانی برخوردار است. احمدی نژاد برای رد گیم کردن از اینکه به ایشان مبلغی مخفیانه پرداخت نمی کند نام موسسه وی را در جدول ۱۸ بودجه به صورت علنی درج نموده است در حالی که همه می دانند که هزینه سفرها و جادو و جنبل بازی های این رمال بیش از یک میلیارد تومان خرج بر می دارد.

● بنیاد فرهنگی مولانا به ریاست عبدالحمید مولانا مشاور ایرانی - امریکایی محمود احمدی نژاد. عمداً نام وی را در لایحه بودجه آورده اند. بودجه این بنیاد حدود ۳۴۰ میلیون تومان است. البته در هیچ جای بودجه قید نشده است که مرکز این بنیاد در میدان ونک است و گفته نشده توسط چه کسی به وی اهدا شده است.

● محمد تقی گیوه چی - مصباح یزدی - مدیر موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی ۱۰ میلیارد تومان. - از رابطه نزدیک محمود احمدی نژاد و محمد تقی گیوه چی، حالا دیگر همه آگاه هستند. باز می دانند میان این دو و سید علی خامنه ای چه رابطه ای وجود دارد؟ پس می دانند چرا باید از اموال این ملت مبلغ ۱۰ میلیارد تومان به صورت علنی به این شخص پرداخت شود. این آیت الله وابسته، تقریباً ماهیانه حدود ۸۵۰ میلیون تومان، از جیب مردم خرج و برچ می کند. ناگفته نماند که بیشتر هزینه این موسسه و نیز مراکز تاسیس شده آن از بودجه های دیگر پرداخت شده است. علاوه بر آن حقوق کلیه اساتید این موسسه و شریات منتشره از سوی آن از نهادها و موسسات دیگر پرداخت می شود. همچنین هزینه سفر برخی از دانشجویان این موسسه به کشورهای امریکا و کانادا و دیگر کشورها جهت

ادامه تحصیل از سوی آموزش عالی و مدیریت حوزه علمیه قم که زیر نظر بیت رهبری است پرداخت می شود.
● مرکز اسناد انقلاب اسلامی تحت اداره روح الله حسینیان ۵۰۰ میلیون تومان - همه می دانند که هزینه های این مرکز بسیار بیشتر از مبلغی است که در بودجه ذکر شده است. خوانندگان عزیز لازم است که مطلع باشند این مرکز برای تهیه برخی از کتابهای منتشره خود تنها ۱۰ میلیون تومان به نویسندگان آن پول می دهد و برای تهیه مصاحبه با برخی افراد ساعتی ۷۰۰۰ تومان حقوق پرداخت می نماید و دهها عضو به اصطلاح کارشناس و مدیر و مسئول آرشیو و ... دارد. حال چگونه است که این مرکز تنها ۵۰۰ میلیون تومان دریافتی دارد در حالی که هزینه های این موسسه بسیار بیشتر از این مبلغ است؟ البته شاید این مبلغ تنها جهت دستخوش به یار وفادار احمدی نژاد و حسین شریعتمداری و خامنه ای، یعنی روح الله حسینیان باشد که باز هم بعید است. زیرا او از درآمدی چند ده برابر این مبلغ برخوردار است.

● محمد یزدی و باند او جامعه الزهرا ۱۰ میلیارد تومان - محمد یزدی یار وفادار ولایت مطلقه فقیه و رئیس حوزه علمیه قم و تأیید کننده مرجعیت سید علی خامنه ای که دو سال پیش به شدت از سوی یازدهم احمدی نژاد مورد حمله قرار گرفته بود در جریان افشاکاری پایتزار، در جریان کودتای انتخاباتی از محمود احمدی نژاد در برابر ملت ایران به شدت دفاع کرد. از این رو، مورد توجه محمود خان قرار گرفت و از پاداشی ۱۰ میلیاردی بهره مند شد. این موسسه با توجه به دارایی های بسیار بالای میلیارد دلاری، نیازی به این مبلغ نداشته باشد و احتمالاً این مبلغ پاداش شخص محمد یزدی و دیگر اعوان و انصار وی بوده است.

● ۱۵ میلیارد تومان برای کمک به نهادها و مراکز فرهنگی و دینی - این بند نیز کمک است. حال به کدام مراکز فرهنگی و دینی؟ مشخص نیست اما به نظر می رسد که تقسیم این مبلغ، مانند دیگر تقسیمات بر عهده حکومت بوده و به مراکز اهدا می شود که حامی حکومت می باشند.

● ۵/۵ میلیارد تومان به شهرک مهدیه قم، مبلغ اهدا شده به شهرک مهدیه قم از این بابت جالب است که این مبلغ بیشتر از مبلغی می باشد که به موسسه رویان واگذار شده است. حال در این شهرک چه تحقیقات و پژوهشهایی صورت می گیرد این را خدا می داند. البته آگاهی رحیم مشایخ و محمود احمدی نژاد نیز از این شهرک بیشتر از همه می باشد.

● ستاد رسیدگی به امور دبه ۱۰ میلیارد تومان: این ستاد که در اختیار نیروهای وابسته به هیات مولفان اسلامی می باشد که سرپرستی آن را بازجوی با سابقه و یار اسدالله لاجوردی، شخصی به اسم جولایی در اختیار دارد. این مبلغ باجی است که محمود احمدی نژاد به هیات مولف می دهد. ۱۴- پژوهشکده رویان ۲ میلیارد تومان. مرکز تحقیقات علوم سلولی - این پژوهشکده دارای ۸۰ عضو هیات علمی بوده و دو فصلنامه علمی پژوهشی به نام های "یاخته" در زمینه علوم سلولی و "International Journal of Fertility and Sterility" در زمینه نازایی منتشر می کند.

● مبلغ پرداختی به موسسه رویان موجب تعجب است. زیرا این موسسه از پرکارترین موسسات علمی در ایران می باشد که تحقیقات و مطالعات و پژوهشهای بسیار مفیدی در رابطه با سلولهای بنیادی در سالهای اخیر انجام



داده است. در طول این مدت توانسته چندین پروژه مهم را برنامه ریزی و اجرا نماید. این موسسه با در اختیار داشتن بسیاری از متخصصان و دانشمندان ژنتیک و سلولی و پزشکی، تنها یک پنجم موسسه آموزشی امام خمینی مصباح یزدی و یک پنجم موسسه جامعه الزهراهای محمد یزدی و حدود یک چهاردهم شورای نگهبان ولایت مطلقه، بودجه در اختیارش قرار داده شده است.

در ادامه به اسم و رسم برخی دیگر از موسسات دریافت کننده اموال مردم توجه فرمایید.

- موسسه مصباح الهدی یک میلیارد تومان.
- موسسه سفینه النجاه یک میلیارد تومان.
- بنیاد بوعلی سینا ۳۰۰ میلیون تومان.
- ۲۰۰ میلیون تومان موسسه رواق حکمت.
- موسسه پرتو ثقلین ۲۰۰ میلیون تومان.
- کانون نویسندگان قم ۲۰۰ میلیون تومان.

گسترش شبکه های سپاه پاسداران و های و هوئی که ببار آورده است:

◀ در ۱۳ اردیبهشت، خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است: پس از انتشار گزارشی در مورد ارتباط سپاه پاسداران ایران با یک شبکه جاسوسی در کویت، شماری از نمایندگان مجلس این کشور خواستار اخراج سفیر ایران از کویت شده اند: محمد هایف، یکی از نمایندگان سفلی مجلس کویت خواستار به تعلیق در آمدن تمام توافقاتنامه ها با ایران، فراخواندن سفیر کویت از ایران و اخراج سفیر ایران از کویت شده است.

آقای هایف که به داشتن مواضع سرسختانه در برابر حکومت ایران معروف است، به سکووت ۲ روزه دولت کویت در مورد گزارش روزنامه "القبس" که در آن سپاه پاسداران ایران به جاسوسی در مورد پایگاههای نظامی آمریکایی و مراکز امنیتی کویت متهم شده، اعتراض کرده است. این نماینده مجلس کویت هشدار داده است در صورتیکه دولت کویت موضع خود را در مورد این قضیه مشخص نکند، عده ای از نمایندگان مجلس خواستار تحقیق و تفحص و بحث در مورد این موضوع در مجلس خواهند شد.

روزنامه کویتی "القبس" در ۱۱ اردیبهشت ماه به نقل از مقامات امنیتی عالی رتبه کویت نوشته بود که دست کم ۷ نفر از شهروندان کویتی به اتهام عضویت در یک شبکه جاسوسی متعلق به سپاه پاسداران دستگیر شده اند. در این گزارش آمده که بعضی از افراد دستگیر شده از کارمندان وزارت دفاع و اطلاعات کویت بوده اند و مأموریت داشته اند در مورد پایگاههای نظامی آمریکا در کویت و بعضی از نهادهای حساس نظامی در این کشور برای سپاه پاسداران ایران اطلاعات جمع آوری کنند.

"القبس" در ادامه می افزاید، در عملیاتی که با هماهنگی نیروهای امنیتی و ارتش کویت صورت گرفت، پس از یورش به خانه یکی از اعضای این شبکه تعدادی عکس، نقشه هایی از مراکز حساس نظامی، ابزار پیچیده ارتباطی و بیش از ۲۵۰ هزار دلار پول نقد کشف شده است. محمد البصری، سخنگوی دولت کویت امروز یکشنبه، دوازدهم اردیبهشت ماه اعلام کرد که

بوته آزمایش ؟

و موشک در اختیار دارد. بدیهی است که حزب الله عامل بی ثباتی منطقه است و ما بدقت وضعیت را زیر نظر داریم.

اسرائیل مدعی شده بود که سوریه موشک اسکود به حزب الله داده است. سوریه تکذیب کرد و وزیر دفاع امریکا تحویل این موشکها را به حزب الله لبنان، تأیید نکرد.

◀ در ۲۸ آوریل، خبرگزاری آسوشیند پرس گزارشی کرده است که در هفته ای پیش از آن، نیروی دریایی امریکایی، تقابلی از نزدیک به یک جت مراقبت ایران پیدا کرده است. این امر در آبهای بین المللی روی داده است. انقلاب اسلامی: در بجنوبه تلاش امریکا و متحدانش برای به تصویب رساندن قطعنامه شامل مجازاتها بر ضد ایران، احمدی نژاد برای شرکت در کنفرانس بین المللی منع گسترش سلاح اتمی به نیویورک رفت. از هیاهوها و تهدیدها کاسته شده است. آیا بخاطر توجه رژیم به سودمند نبودن تشدید بحران و تغییر رویه است؟

ایران در آسیای میانه از روسیه دنباله روی میکند - ایران مسئله اول کنفرانس نیویورک؟

سیاست رژیم ایران در کشورهای همسایه ایران و نقش جنبش در رابطه روسیه با آسیای میانه:

انقلاب اسلامی: استراتفور، (۲۷ آوریل ۲۰۱۰) در گزارش نسبتا مفصلی، سیاستهای متقابل رژیم ایران و کشورهای منطقه و روسیه و چین را در قبال یکدیگر، مورد مطالعه قرار داده است:

* بلوک شیعه در عراق و محاسبات ایران:

◀ مشاور پیشین امنیت ملی عراق، موفق الرباعی که در ائتلاف شیعه نقش کلیدی دارد، در ۲۶ آوریل گفت: گفتگوها میان ائتلاف ملی عراق با نخست وزیر کنونی عراق، نوری المالکی، به بن بست رسید. سخنان الرباعی نخستین علامت از این واقعیت است که گفتگوها میان تمایلهای شیعه، پیشرفت ندارد. اما هنوز معلوم نیست که تشکیل یک بلوک شیعه در مجلس عراق شکست خورده است یا خیر.

هرگاه گروههای شیعه نتوانند یک بلوک تشکیل دهند، کوششهای ایران را برای تحکیم نفوذ خود در عراق و، بدان، موقعیت خود را در قبال امریکا، تقویت کند.

موفق الرباعی که، بعد از دیدار با آیت الله سیستانی، با روزنامه نگاران سخن می گفت، اطلاع داد که دو

گروه سیاسی شیعه، بر سر نخست وزیر آینده عراق، با یکدیگر، بگو مگو دارند. ائتلاف ملی عراق اینک به دنبال ائتلاف با کردها است تا وسیع ترین بلوک را در پارلمان عراق بوجود آورد. هدف از این کار، خروج از بحران سیاسی است.

سخنان الرباعی، نخستین علامت از واقعیت است که چندین هفته گفتگو بر سر ایجاد بلوک شیعه در مجلس ملی عراق پیشرفت نکرده است. ائتلاف ملی عراق سازمانی است که بیش از سازمانهای دیگر عراقی به ایران نزدیک است. در انتخابات ۷ مارس، این ائتلاف ۷۰ نماینده در مجلس عراق بدست آورده است. سازمان تحت رهبری المالکی ۸۹ کرسی در مجلس عراق بدست آورده است. ائتلاف به رهبری علاوی نیز ۹۱ کرسی در مجلس عراق یافته است.

گفتگوها میان ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی و ائتلاف ملی عراق در باره چگونگی تعیین نخست وزیر عراق بوده است. ائتلاف دولت قانون می خواهد المالکی دوباره نخست وزیر عراق شود. اما جنبش طرفدار صدر با نخست وزیری او مخالف است. از ۷۰ کرسی ائتلاف ملی عراق، ۴۰ کرسی به گروه طرفدار صدر تعلق دارد. چون ائتلاف تحت رهبری علاوی مقام اول را یافته است، مالکی توافق گروه های شیعه را تنها وسیله حفظ موقعیت شیعه در دولت عراق می بیند.

از سوی دیگر، المالکی نمی خواهد اداره حکومت عراق به دست گروه صدر و مجلس اعلائی تحت نفوذ ایران بیفتد. از آن سو، ائتلاف ملی عراق که می خواهد یک بلوک شیعه در مجلس عراق تشکیل شود، از اختلاف میان مالکی و کردها بهره می جوید.

در این مرحله، زود است برای گرفتن این نتیجه که ائتلاف گروههای شیعه سرخواهد گرفت. اما اگر سر نگیرد، نقشه ایران را برای عراق بعد از ترک این کشور از سوی قوای امریکا، برهم می زند. ایران خواستار وجود یک بلوک شیعه در مجلس عراق است و وجود این بلوک را شرط بسط نفوذ خود در عراق می داند. هرگاه دو سازمان شیعه ائتلاف کنند، صاحب ۱۵۹ کرسی در مجلس می شوند و این تعداد، حتی بدون ائتلاف با کردها که ۴۳ نماینده در مجلس دارند، برای تشکیل حکومت جدید عراق کافی است. اگر این ائتلاف شکل نگیرد، دست و پای ایران را در گفتگوهایش با امریکا می بندد.

ایران مشغول میانجیگری میان دو سازمان است تا که ائتلاف را میانشان ممکن کند. استدلال ایران اینست که جدائی این دو سازمان، قوت شیعه عراق را به ضعف بدل می کند. اما معلوم نیست کوشش ایران به نتیجه می انجامد یا خیر.

◀ در ۳ مه ۸۹، گزارش شد که جعفر صدر، فرزند آیت الله سید محمد باقر صدر - که توسط رژیم صدام اعدام شد - نخست وزیر تفاهم میان دو سازمان شیعه می تواند بگردد.

* روسیه مشغول تحکیم موقعیت خود در آسیای میانه و گرجستان و اروپای شرقی است: استفاده از سلاح جنبش همگانی:

◀ قیامی که در قرقیزستان روی داد و سبب برکناری رئیس جمهوری این کشور شد، با حمایت روسیه به نتیجه رسید. اینک روسیه می تواند بگوید می تواند در کشورهای تابع امپراطوری سابق، «انقلاب رنگی» پدید آورد.

پیش از آن، روسیه دو روش را برای باز آوردن کشورها تحت نفوذ خود بکار می برد: ۱ - نخستین روش استفاده از سلاح انرژی بود. کشورهایی که بخاطر انرژی وابسته به روسیه هستند، وقتی نتوانستند تحت نفوذ روسیه قرار بگیرند، روسیه آنها را در مضیقه سخت قرار داد و ناگزیرشان کرد تمکین کنند. ۲ - روش دوم بکار بردن قوای نظامی است. در چچنی و گرجستان، قوای نظامی بکار برد.

و سومین روشی که از زمان سقوط دولت شوراهای بکار برده بود، استفاده از جنبش قشرهای آسیب پذیر از لحاظ اقتصادی برای تغییر دولت بود. در قرقیزستان این روش را نیز با موفقیت آزمود.

انقلاب اسلامی: امری که استراتفور بدان توجه نکرده است، اینست که مردم راضی از زندگی خود را نمی توان برضد رژیم حاکم برانگیخت. پس مردمی که در قرقیزستان جنبش کردند، از وضعیت خود ناراضی بودند. حمایت از جنبش برای تحت نفوذ گرفتن دولت جانشین، کاری است شدنی. هرگاه بدیل مستقل وجود نداشته باشد، جنبش مردم راه بجائی نمی برد. زیرا دولت جدید تحت نفوذ بیشتر قدرت مسلط قرار می گیرد و درب از نو، بر همان پاشنه می چرخد.

◀ ازبکستان، بیشتر از کشورهای دیگر تگران است. زیرا روابطش با روسیه خوب نیست و سرنگون کردن دولتی با جنبش مردم می تواند به ازبکستان نیز سرایت کند. ازبکستان خود را از روسیه مستقل می داند و می خواهد نقش قدرت متوقف را در شرق آسیای میانه ایفا کند.

روسیه می کوشد مانع از آن شود که ازبکستان این موقعیت را پیدا کند. دولت ازبکستان راهی را که برای مقابله با روسیه بسته است، استبدادی کردن دولت است. اما دولتی استبدادی بس سخت گیر، زمینه را برای جنبش همگانی فراهم کرده است. رئیس جمهوری ازبکستان، اسلام کریم اف، از راه سرکوب خونین، توانسته است مانع بروز جنبش اجتماعی بگردد. در ۲۰۰۵، جنبش مردم ازبکستان را قوای امنیتی، با کشتن صدها تن فرو خواباندند. با وجود این، در سال ۲۰۰۹، جنبش دیگری در آندیجان روی داد. این ظن وجود دارد که روسیه خواسته است توان مقابله رژیم ازبکستان را بیازماید.

ازبکستان کشور طوایف است. این طوایف در قلمرو بازرگانی و قاچاق مواد مخدر و غیر آن، با یکدیگر رقابت دارند و اغلب نیز با دولت کریم اف مخالفتند. اما برانگیختن این طوایف برضد دولت کریم اف نیازمند سازماندهی است که وجود ندارد.

عامل دیگری که روسیه می تواند از آن استفاده کند، اینست که در قرقیزستان، جنبش توانست موفق شود زیرا رژیم این کشور نیروی لازم برای سرکوب جنبش را در اختیار نداشت. دولت ازبکستان، از زمان جدا شدن از اتحاد جماهیر شوروی سابق، این قوا را تدارک کرد. باوجود این، مخالفت با رژیم کریم اف، بخصوص اگر مسئله



جانمایی او پیش بیاید، مقاومت در برابر جنبش آسان نخواهد بود. بنظر نمی رسد که روسیه در انتظار فرصت تعیین جانشین برای کریم اف بماند. تجدید جنبش را فرصتی برای رسیدن به مقصود می داند و در صورت وقوع جنبش، از آن حمایت خواهد کرد.

تاجیکستان همسایه فقیر دیگر قرقیزستان است. این کشور برای روسیه مسئله ای بشمار نیست. روسیه در این کشور ۶ پایگاه دارد. اما تابع کامل روسیه نیز بشمار نمی رود. بنا بر این، می تواند هدف بعدی روسیه باشد. بخلاف قرقیزستان که در آن، یک نیروی مخالف وجود داشت، در تاجیکستان نیروی مخالف ناموجود است. در عوض نیروهای دیگری وجود دارند که می توانند با دولت گلاویز شوند. تاجیکستان نیز کشور طایفه ها است و این طایفه ها پیوندی که به آنها امکان بدهد یک هویت ملی پدید آورند، ندارند. در سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ گرفتار جنگ داخلی بود. بنا بر این، برای روسیه، برانگیختن طوایف بر ضد حکومت مرکزی کار مشکلی نیست.

تاجیکستان دارای یک نیروی اسلام گرای نیرومند است که با مبارزه در افغانستان پیوند داشته است. این نیرو با طوایف محلی دمسان است. بنا بر این، به اتفاق می توانند بر ضد دولت مرکزی برخیزند. اما چون مهار طوایف و نیروی اسلامی کاری بس مشکل است و از زمان شوروی، روسیه ناتوان از مهارشان بوده است، روسیه ترجیح می دهد با بکار بردن ابزار اقتصادی و امنیتی، نفوذ خویش را در تاجیکستان افزایش دهد.

قزاقستان به روسیه نزدیک است. بنازگی قرارداد گمرکی میان دو کشور امضاء شده و اقتصاد قزاقستان را به اقتصاد روسیه وابسته کرده است. نیروی مخالفی هم که رژیم این کشور را تهدید کند، وجود ندارد. زیرا رئیس جمهوری قزاقستان، نورسلطان نظربایوف احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف را منحل کرده است. بنا بر مناسبت، مخالفت کوچکی با رژیم اظهار می شود بی آنکه ثبات رژیم را زیر سوال ببرد.

با اینکه، دولت قزاقستان نسبت به ثبات خویش در آینده می باید نگران باشد. زیرا نظربایوف از پیرترین رهبران آسیای میانه است. او ۷۰ سال دارد. هنوز معلوم نیست چه کسی جانشین او می شود. از میریاد بعنوان جانشین او سخن بمیان است. الا اینکه او مثل نظربایوف به روسیه نزدیک نیست. بهر رو، این بیم وجود دارد که روزی روسیه بخواهد در قزاقستان رژیم تغییر بدهد. روسها یک چهارم جمعیت قزاقستان را تشکیل می دهند و میان مردم شمال و جنوب این کشور نیز دوگانگی وجود دارد. مرکز قزاقستان خالی است و در جنوبش، اقوام ازبک و قزاق ایقور و روس ساکنند. از این رو، کار تغییر دادن رژیم برای روسیه چندان مشکل نیست.

ترکمنستان می کوشد میان سه قدرت روسیه و چین و ایران، بسود خود تعادل برقرار کند. دولت ترکمنستان نه ضد و نه طرفدار روسیه است. عمل گرا است و می داند که می باید با روسیه راه برود. با وجود این، روسیه از معامله ترکمنستان با چین و ایران بر سر انرژی (گاز) ناراضی است.

ترکمنستان جمعیت کم دارد و این جمعیت را بیان ها از یکدیگر جدا کرده است. نیمی از مردم آن در همسایگی ازبکستان زندگی می کند که قدرت منطقه است. و نصف دیگر در مجاورت ایران بسر می برند. این جمعیت هنوز سامانه طایفه ای دارد و دولت مرکزی توانا به مهار آن نیست. از این رو، دولت این کشور بر پایه اجتماعی ثباتی استوار نیست و همواره از آن بیم دارد که دولت بعدی باشد که سرنگون می شود.

بوته آزمایش ؟

آن را فرو خواباند. روسیه برانگیزنده جنبش بود بخاطر این که یا رهبران مخالفان و جنبشهای جوانان آذربایجان ارتباط داشت.

بنا بر اطلاعاتی که منابع استراتفور در اختیار می دهند، روسیه در اقلیتهای قومی آذربایجان نیز نفوذ دارد. خصوصاً نزد داغستانی های مقیم شمال آذربایجان. در گذشته، روسیه دولت آذربایجان را تهدید کرده بود که این اقوام را بر ضد دولت مرکزی خواهد شوراند.

انقلاب اسلامی: بدین سان، رژیمهای آسیای میانه، استبدادی و فاسد و بریده از جامعه های تحت حاکمیت خود هستند. از این رو، چاره ندارند جز تکیه به قدرت خارجی. هرگاه تکیه نکنند و بر مردم معلوم شود که دولت بدون حامی است، مردم روی به جنبش می آورند. بنا بر گزارش، تنها در مورد قرقیزستان، جنبش پیروز شده است بخاطر حمایت نکردن روسیه از رژیم سرنگون شده و حمایت کردنش از گروه جانشین. به سخن دیگر، حتی در آسیای میانه که جزئی از امپراطوری روسیه بوده است و هنوز تحت نفوذ این قدرت است، قدرت خارجی توانا به برانگیختن جنبش نیست اما می تواند از آن سود جوید هرگاه بدیلی ترجمان استقلال و آزادی و توانا به اداره دولت حقوقمدار نداشته باشد. و به سخن دیگر، هرگاه ۵ عامل، وجود بدیل و وجود هدف مشخص و برخورداری جنبش از سه استقلال و روش (خشونت زدائی) و سازمان دادن جامعه مردم سالار در جریان جنبش، وجود داشته باشند، جنبش پیروز می شود. اگر نه، قدرت خارجی مخالفت مردم از رژیم های وابسته را دست اویز باج ستانی از آن رژیم ها می کنند.

نیروی مخالف سه شخصیت دارد که ممکن است جانشین ساکاشویلی شوند: ضراب نوگایدلی، نخست وزیر پیشین و ایراکلی آلسانیا، سفير سابق گرجستان در سازمان ملل متحد و نینو بورجانادز، رئیس سابق مجلس گرجستان. در ماه های اخیر، نوگایدلی چند نوبت از روسیه دیدار کرده و یک همکاری میان حزب خود و حزب روسیه متحد به رهبری پوتین، همکاری برقرار کرده است. بورجانادز که یکی از محبوب ترین سیاستمداران گرجستان است نیز، بنازگی از مسکو دیدار و با پوتین گفتگو کرده است. آلسانیا نیز یک شخصیت کلیدی است و نامزد انتخابات شهرداری شهر تفلیس، در ۳۰ مه، است. او نیز معتقد است با روسیه می باید سیاست عمل گرایانه در پیش گرفت. با وجود این، این سه شخصیت هنوز نشان نداده اند که می توانند نیروهای مخالف را به خود جلب کنند. مخالفان ساکاشویلی و حکومت او بسیار پرانگنده اند. در جمع، ۱۲ گروه هستند و میانشان بر سر رویه ای که در قبال روسیه می باید در پیش گرفت، توافق نیست. در سال ۲۰۰۹، در گرجستان جنبش شد. او نتوانست رئیس جمهوری را وادار به کناره گیری کند. شایعه ها بر این هستند که روسیه به رهبران مخالف پول می داده است. روسیه علاقه شدید دارد به اینکه مخالفان ساکاشویلی متحد شوند و بر ضد او برخیزند. اما کارش مشکل است زیرا هیچ سازمان سیاسی طرفدار روسیه در گرجستان وجود ندارد. مردم گرجستان نیز فراموش نکرده اند که روسیه تانکهای خود را روانه کشورشان کرد. از این رو، طرفداری از روسیه، کار مخالفانی را هم خراب می کند که معتقدند با روسیه می باید عمل گرائی رویه کرد.

* چین و سیاستش در آسیای میانه و تقابلش با روسیه:

چین رویه روسیه در قرقیزستان را، اعلان خطر تلقی کرده است. زیرا با این کشور مرز مشترک دارد. چین به آسیای میانه، به مثابه تنها منابع امن می نگرد. راه صدور منابع به روسیه نزدیک و بی نیاز از دریا و هزینه های آنست و خطر کم دارد. از این رو، مشغول تحکیم نفوذ خود در آسیای میانه است. با ازبکستان و قزاقستان و ترکمنستان قرار داد خرید نفت و گاز بسته است. در این کشورها خط آهن می کشد. سرنگون شدن سریع دولت قرقیزستان، استراتژی چین را با خطر روبرو کرده است. افزون بر این که پیروزی جنبش در قرقیزستان چین را تکران جنبش های ایقورها و تبتی ها و جدائی طلبان در شانگهای و هنگ کنگ می کند. چین همواره از سقوط یک رژیم توسط جنبش مردم، در هر جای دنیا که انجام پذیرد، به خشم می آید.

روسیه با ایقورهای مقیم چین و قزاقستان و قرقیزستان تاریخی دراز دارد. در سالهای ۱۹۹۰، که روسیه ضعیف شده بود، با دادن پول و امکانات به ایقورها کمک کرد تا بر ضد دولت چین برخیزند. قصد روسیه این بود تا وقتی ضعیف است، چین با مسائل داخلی خود سرگرم باشد. روسیه می تواند این کار را دوباره بکند. چین از نفوذ روسیه بر این اقوام می ترسد بخصوص اگر سبب توسعه نفوذ روسیه به داخل چین شود.

بدیهی است که روسیه خواستار سرنگون کردن رژیم پکن نیست. تنها می خواهد چین را مشغول داخل

خود کند و مجال نیابد نفوذ خود را در قلمرو نفوذ روسیه برقرار کند.

انقلاب اسلامی: هر ایرانی آزاده ای می باید نگران حمایتهای قدرتهای خارجی از گروههای مزدوری باشد که برای خود بر اقوام ایران ولایت مطلقه قائل می شوند. همه ایرانیان می دانند که بدنبال پیروزی انقلاب، قدرتهای خارجی، برای فرو خواباندن امواج انقلاب ایران، انهم در درون مرزها، به گروه های مزدور پول و اسلحه دادند. اما به یمن حمایت نکردن اقوام و اقدام قاطع دولتی که یک دولت حقوقمدار بگردد، قدرتهای خارجی طرفی نسبتند و به تحریک صدام برای حمله به ایران پرداختند و با خمینی و دستیاران او وارد معامله شدند.

* رژیم مافیاهای ناتوان از حضور در آسیای میانه که قلمرو فرهنگ مشترک است، دنباله روسیه گشته است بی آنکه این امر، مانع از آن شود که روسیه، بر سر ایران، با غرب معامله کند:

انقلاب اسلامی: همانطور که گزارش استراتفور حاکی است، رژیم حاکم بر ایران حضوری به مثابه حامی حق حاکمیت ملت های آسیای میانه ندارد. کمتر تقابلی با سیاست روسیه نیز ندارد. از کودتای خرداد ۶۰ بدین سو، سیاست رژیم دنباله روی کامل از سیاست روسیه در آسیای میانه است. در دوران جنگ افغانستان، علاوه بر دادن چراغ سبز به روسیه برای وارد کردن قشون خود به این کشور، رژیم سیاست خود را تابع سیاست روسیه در افغانستان کرد. با سقوط امپراطوری روسیه، با وجود امکان و فرصت بی مانند، طبیعت استبدادی و واپس گرایش از شرکت در پیدایش جامعه های مردم سالار باز شد. هرگاه این جامعه ها پدید می آمدند، به پشت گرمی یکدیگر، بیرون از قلمرو سلطه این و آن قدرت قرار می گرفتند و باتفاق، راه رشد را در پیش می گرفتند. رژیم مافیاهای به ایران خائن است زیرا با استقرار نفوذ روسیه در کشورهای همسایه ایران، ایران از نو با یک قدرت مزاحم و سلطه جو روبرو خواهد شد.

با وجود دنباله روی ایران از روسیه در آسیای میانه و قفقاز و همه جا، روسیه در معامله با غرب بر سر ایران، تردیدی به خود راه نمی دهد: در ۲۷ آوریل ۲۰۱۰، به گزارش دویچه وله، مدودف، رئیس جمهور روسیه در انتقادی بی سابقه و شدیدالحن رفتار ایران را در مورد برنامه های هسته ای "غیر مسئولانه" خوانده است. او در گفتگو با تلویزیون دانمارک گفته است: روسیه آماده حمایت از تحریم های بیشتر بر ضد ایران است.

دیمیتری مدودف، که برای دیدار با مقامات دولت دانمارک به این کشور سفر کرده بود، خاطر نشان کرده است: «چنانچه این وضعیت ادامه یابد، ما نمی توانیم هیچ چیزی، از جمله تحریم ها را منتفی دانیم.»

در متن مصاحبه که روز دوشنبه از سوی کرملمین منتشر شده است، مدودف بار دیگر از رفتار مقامات ایران در زمینه برنامه های هسته ای این کشور

انتقاد کرده و گفته است: «البته اعمال تحریم کار مثبتی نیست زیرا تحریم ها به ندرت نتیجه مورد نظر را در بر خواهند گرفت، اما زمانی که همه اقدامات دیگر بی نتیجه مانده اند، چرا که نه.»

حضور احمدی نژاد در کنفرانس تجدید قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای، ایران را به مسئله اول این کنفرانس بدل کرد:

انقلاب اسلامی: در ۳ مه ۲۰۱۰، کنفرانس جهانی که هر ۵ سال یکبار، سازمان ملل متحد تشکیل می دهد، تشکیل شد. موضوع کار کنفرانس تجدید نظر در قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای است. با آنکه شرکت کنندگان در کنفرانس، وزیران خارجه هستند، احمدی نژاد لازم دید خود در آن شرکت کند و شرکت او سبب شد که به قول لوموند، «ایران مسئله اصلی کنفرانس تجدید نظر در قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای» بگردد:

* لوموند: ایران مسئله اصلی کنفرانس تجدید نظر در قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای شد:

«در ۳ مه ۲۰۱۰، لوموند گزارش کرده است: احمدی نژاد آماده می شد که ستاره کنفرانس تجدید نظر در قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای، در روز افتتاح آن در نیویورک، بگردد. او تنها رئیس دولتی است که در این کنفرانس شرکت کرده است. گزارش بر ایراد سخنرانی درازی است در باره نظم آتمی جهان که تبعیض آمیز است و ایران قربانی آنست.»

انقلاب اسلامی: در همان روز اول، در ۳ مه، او این سخنرانی را ایراد کرد. هر اندازه تهدید به وضع مجازاتهای جدید از سوی شورای امنیت جدی تر می شود، رژیم ایران بیشتر به کشورهای جنوب و غیر متعهد روی می آورد تا مگر حامی بگوید. بخصوص که روسیه و چین نیز دیگر حاضر نیستند از ایران حمایت دیپلماتیک کامل بکنند. ایران بخصوص در پی جلب نظر اعضای غیر دائمی شورای امنیت و در رأس آنها، برزیل و ترکیه است.

بدین سان، رژیم ایران خود را در مرکز بحث های کنفرانس قرار می دهد. این در حالی است که در ماه فوریه، آژانس بین المللی انرژی گزارش نا مساعدی درباره فعالیت های اتمی ایران داد و در آن، برای اولین بار، بر امکان وجود فعالیت های تصریح کرد که به قصد تولید کلاهک اتمی برای موشک بعمل می آیند.

بعد از سخنرانی احمدی نژاد، بعد از ظهر، هیلاری کلبتون سخنرانی در صفحه ۱۰



خواهد کرد. پیش از آنکه کنفرانس کار خود را شروع کند، هیلاری کلینتون گفت: ابتدا جای بحث ندارد که ایران قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای را نقض می کند.

کنفرانس با حضور نمایندگان ۱۸۹ کشور که قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای مورخ ۱۹۶۸ را امضاء کرده اند، بمدت سه هفته، سرگرم گفتگوهای دیپلماتیک خواهند بود. موضوع گفتگوهاشان، تحکیم مبانی قرارداد است که از لحاظ اتمی، ستون پایه نظم جهانی است. بر اثر بحران اتمی ایران و کره شمالی، قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای بطور جدی لطمه دیده است. با وجود این، قرارداد برجا است و در کنفرانس سال ۱۹۹۵، تصمیم گرفته شد قرارداد برای همیشه برقرار و مجری بماند. کنفرانس سال ۲۰۰۵، به شکست انجامید. چون بنا بر اتفاق آراء است. بعلت نبودن اتفاق آراء هیچیک از اسناد تهیه شده به تصویب نرسیدند. کشورهای غیر متعهد و جنوب، کشورهای دارای اسلحه اتمی را انتقاد کردند چرا که به تعهدات خود در باره خلع سلاح اتمی عمل نکردند. کنفرانس کنونی نیز با همان مشکل روبرو است.

● برای حکومت اواما که ایده حذف کامل اسلحه اتمی را در دنیا در قلب دیپلماسی خود قرار داده است، کنفرانس، موقعیت یک تمرین ظرفیت است. پیام جدید امریکا (حذف سلاح هسته ای) که امضای قرارداد با روسیه، بدان قوت و اعتبار می بخشد، این هدف را تعقیب می کند که اجماعی بین المللی پدید آید توانا به حل بحرانهای روز. در مرتبه اول، بحران اتمی ایران. برای رسیدن به این مقصود، اواما بر دینامیکی تکیه می کند که توافق با روسیه بر سر کاهش اسلحه اتمی دو کشور، در ماه آوریل ۲۰۱۰، بوجود آورده است.

● اما مصر که در حال حاضر ریاست کنفرانس عدم تعهد را دارد، از زبان نماینده خود در سازمان ملل گفته است که این ژست (قرارداد با روسیه) کافی نیست. مصر می خواهد ایده «خاورمیانه پاک از اسلحه اتمی» را مطرح کند و پیش ببرد. این کشور بر آنست که یک جبهه دیپلماتیک بر ضد معجز بودن اسرائیل - کشوری که قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای را امضاء نیز نکرده است - به سلاح اتمی پدید آید.

● قرارداد منع گسترش سلاح اتمی بر تعهدی بنا داشت: ۵ کشور دارند اسلحه اتمی، متعهد شده بودند که بطور روز افزون خلع سلاح اتمی شوند. کشورهای دیگر نیز متعهد می شدند بمب اتمی نسازند. قدرتهای اتمی همچنین متعهد شدند به کشورهای دیگر تکنولوژی اتمی غیر نظامی بدهند.

● مشکل این جا است که قرارداد، به کشورهای دنیا اجازه می دهد تکنولوژی غنی سازی اورانیوم را بدست آورند. اما کشوری که این تکنولوژی را بدست می آورد، می تواند درجه غنی سازی را تا اندازه لازم برای تولید بمب اتمی بالا ببرد. از خاکستر سوخت اتمی نیروگاه اتمی نیز می تواند بمب اتمی بسازد.

● کشورهای غرب می خواهند مقررات کنترل فعالیتهای اتمی را سخت تر کنند. مکانیسم های بازرسی های آژانس بین المللی انرژی اتمی را تقویت کنند و «باتک بین المللی» سوخت اتمی تأسیس کنند. اما کشورهای جنوب که تکران استقلال خود هستند، این تدابیر را مداخله جویانه توصیف می کنند.

● هدف دیگر غربی ها اینست که شرایط خروج یک کشور را از قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای سخت تر و دقیق تر کنند. خروج کره شمالی در سال ۲۰۰۳ از قرارداد و دو آزمایش اتمی در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، معلوم کرد قرارداد کافی نیست. از این رو،

بوته آزمایش ؟

۵۳۱ تن ذغال زرد بود که در سالهای ۱۹۸۰، از افریقای جنوبی خریده است. بنا بر گزارش مؤسسه تحقیقات امریکا و مؤسسه دانش و امنیت بین المللی که صنعت اتمی ایران را تحت مطالعه دارند، ایران تنها مقدار کمی اورانیوم در اختیار دارد. داوید آلبرایت عضو پیشین آژانس بین المللی انرژی اتمی می گوید: ایران اورانیوم ندارد و چون اورانیوم ندارد هیچ چیز ندارد. و کلیف کوپشان تحلیل گر امور ایران می گوید: دنیا چنان سرگرم به تصویب رساندن مجازات بر ضد ایران است که به جلوگیری از خرید اورانیوم توسط ایران به جد نمی پردازد.

تایم می نویسد: ایران می کوشد از کشورهای افریقایی، از جمله از زیمبابوه اورانیوم بخرد اما مجازاتهای مقرر هم مانع خریدن و هم مانع بردن آن به ایران است.

انقلاب اسلامی: نخست، شیرزاد بود که توضیح داد ایران معدنی با ذخیره اورانیوم بالا ندارد. او از حکومت خامنه ای - احمدی نژاد پرسید: وقتی شما نه اورانیوم دارید و نه تکنولوژی در سطح بایسته، بحران را چرا می سازید؟ و رژیم مافیاهای نظامی - مالی به آخر خط رسیده است: آیا یکبار دیگر، همچون گروگانگیری و جنگ، به این بحران نیز در شکست پایان می دهد؟

* اواما در حال گفتگو با مصر و کشورهای دیگر بقصد خاورمیانه بدون سلاح هسته ای است:

◀ در ۲ مه ۲۰۱۰، آنتی وار (ضد جنگ) خبر از تغییری مهم در سیاست خارجی حکومت اواما می دهد: این حکومت با مصر و کشورهای دیگر، مشغول گفتگو به قصد «خاورمیانه بدون سلاح هسته ای» است.

امریکا به مصر و کشورهای عضو اتحادیه عرب توضیح می دهد که هر گاه کوششها برای منصرف کردن ایران از تولید سلاح اتمی به نتیجه برسد، امریکا خواستار خلع سلاح اتمی اسرائیل می شود.

هر گاه حکومت اواما خواهان خلع سلاح اتمی اسرائیل بشود، تغییری بسیار مهم در سیاست امریکا روی داده است. زیرا طی چند دهه، نه تنها رؤسای جمهوری امریکا مجبور شدن اسرائیل را پنهان کرده اند بلکه از آن حمایت نیز بعمل آورده اند.

معاون وزارت خارجه امریکا، الن توشر، بطور مستقیم به اسرائیل گفته است: مهار سلاحهای اتمی در خاورمیانه وابسته است به طرح صلح قابل قبول.

انقلاب اسلامی: افشاگرهای فسادهای بزرگ و فریادها در باره اقتصادی که در رانت خواری ناچیز شده است و در برابر فشار از بیرون، امکان مقاومت ندارد، مانع از بسط بد بازم بیشتر سپاه بر اقتصاد ایران نمی شود. تصدی اقتصاد یک کشور توسط نیروی مسلح، محروم کردن آن اقتصاد از یافتن محوری است که تولید است و سامانه ایست که امکان می دهد نیروهای محرکه را در تولید بکار اندازد. اقتصاد تولید محور نیازمند جامعه باز با انسانهای برخوردار از استقلال در تصمیم

و آزادی در گزینش نوع تصمیم و حقوق انسان است. واحدهای تولیدی نیز می باید منزلت بمعنای برخورداری از امنیت و حمایتها، از جمله حمایت قضائی باشد. کشور می باید رها از بحرانهای داخلی و خارجی باشد. حال اینکه از رهگذر بحران است که سپاه، به مثابه پوشش مافیاهای نظامی - مالی بر اقتصاد کشور چنگ می اندازد. و اقتصاد و دولت در تصرف مافیاهای نظامی - مالی است:

فهرست اسامی اعضای مافیاهای که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو، تشکیل شده اند - ۵

انقلاب اسلامی: با پوزش دوباره از مبارز آزاده، حسین جواد زاده و نیز کسانی که عضو مافیاهای نیستند و احتمالاً اسامیشان در این فهرست آمده اند و یا تشابه اسمی است:

ذاکر - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت
ذوالقدر - محمد باقر - سردار سپاه - معاون سپاه - معاون امنیت وزارت کشور و فرمانده اسبق قرارگاه رمضان با سوابق زیر: در سال ۶۸، ستاد مشترک سپاه پاسداران را که هماهنگکننده پنج نیروی زمینی، هوایی، دریایی، قدس و نیروی مقاومت بسیج سپاه بود، تشکیل داد و از سوی رهبر انقلاب به عنوان نخستین رئیس این ستاد منصوب شد.
ذوالقدر نیا حسن - رئیس سابق حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح و وزارت دفاع.
ذوالنور - مجتبی - حجت الاسلام - سردار سپاه - فرمانده تیپ امام صادق و مسئول ستاد نمایندگی رهبری در سپاه.
ذوالنور - مصطفی حجت الاسلام - از اعضای قضایی - سرکوب های خیابانی نظام ولایت.
ذوالنور - سید رحیم - خواهر زاده آیت الله حائری شیرازی - رییس موسسه فلاح.
ذوالانوار - سید حسین - فرزند حاج آقا امام - نماینده مجلس خواهر زاده حائری شیرازی.
راد احمدی خدام، عضو هیات مدیره صنایع کوچک، از دوستان بزم پاش.
رازینی - ابراهیم - حجت الاسلام - از نیروهای وابسته به قوه قضاییه.
رازینی - علی - حجت الاسلام - از نیروهای باند قوه قضاییه و وزارت اطلاعات.

راستی کاشانی - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - آیت الله.
رامین - محمد علی - از بخش رسانه ای وزارت اطلاعات. او متهم به شرکت در ترورهای خارجی می باشد و رئیس بنیاد هلوکاست و نیز مشاور رئیس جمهور است.
راهدار - اسماعیل - مشاور ستاد مبارزه با مواد مخدر از اعضای باند سرکوب های خیابانی و دانشجویی
ریبی - علی - از معاونان وزارت اطلاعات.

ربعی قایم مقام فرماندهی نیروی مقاومت بسیج تهران - سردار سپاه.
رجبی - محمود - حجت الاسلام - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت. وی برادر فاطمه رجبی می باشد و برادر زن الهام.

رجبی - محمد - هوادار فرید، از اعضای خشونت طلب.
رحمانی - داود - از مدیران رده بالای وزارت اطلاعات.
رحیم پور ازغندی - حسن - از نیروهای بازجو و عضو باند رسانه ای مافیای ولایت.
رحیمی - از نیروهای اطلاعات در زندان اوین.
رحیمی زندانیان زن - مسئول بند زنان و بعد مسئول کل بندهای زنان شد. وی قبل از آن مسئول ملاقات - زندانیان بود.
رزاقی معاون نمایندگی بنگاه تعاون و حرفه آموزی و اشتغال زندانیان استان مازندران.

رسایی - حمید - از نیروهای سرکوب های خیابانی نظام مافیا - نماینده مجلس مدیرکل سابق ارشاد قم و از رایحه خوش خدمت.

رسولی - حمید - پرسنل امنیت و مدیرکل پشتیبانی عملیاتی آن معاونت - عضو باند ترور و اطلاعات.

رسولی محلاتی - عضو بیت رهبری و دفتر آقای خمینی - پدر همسر ناطق نوری، عضو باند قضایی - سیاسی.

رشید - غلامعلی - سردار سپاه - از فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران.

رشید - محسن - سردار سپاه - معاونت تحقیقات پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.

رشید پور - مجید - حجت الاسلام - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت.

رشیدیان - نماینده مجلس از آبادان دور اول - عضو حزب زحمتکشان و از دوستان حسن آیت.

رضایی - از بازجویان وزارت اطلاعات در زندان اوین.

رضایی - علیرضا - از چماقداران به نام در مشهد که ایشان نیز به دلیل حمله به یک همایش دستگیر گردید.

رضایی امیدوار - برادر محسن از نمایندگان مجلس - رئیس بیمارستان لقمان که سعید امامی در آنجا خودکشی شد.

رضایی - محسن - "سبزه علی - سردار سپاه - از بنیانگذاران سپاه پاسداران که از عوامل اصلی کودتا در سال شصت بود. وی سالها در کلیه امور مربوط به ترور - سرکوب - جنایت در نظام ولایت دخالت داشته.

رضایی - مرتضی - سردار سپاه - از نیروهای اطلاعاتی نظامی در دهه شصت. رضایی راد - سرهنگ فرمانده حفاظت زندان های استان مرکزی.

رضوی - حسن - مشاور معاون حقوقی رئیس جمهور احمدی نژاد.

رضوی - محمد - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت.

رفیق دوست - محسن - سردار سپاه - از قدیمی ترین فرماندهان سپاه پاسداران و از جمله اعضای باندهای ترورهای سیاسی - سرکوب های خیابانی و نظامی و اقتصادی نظام ولایت که سالها در مقام ریاست بنیاد مستضعفان وابستگان خود را به اموال بسیاری رساند و در حال حاضر مسئول بنیاد نور و وارد کننده داروهای گران قیمت است. او می گوید: -

«در پیروزی انقلاب در لبنان و در خیلی از جاهای دنیا امریکا ضرب شست ما را بر پیکر منحوس خودش احساس می کند و می داند آن مواد منفجره ای که با آن ایدئولوژی ترکیب شد و در مقر تفنگدارهای دریایی چهارصد افسر و درجه دار و سرباز را یک مرتبه به جهنم فرستاد. هم تی ان تی آن مال ایران بود و هم ایدئولوژی از ایران رفته بود. این برای امریکا بسیار محسوس است...آیا

آمریکایی ها این سخنان را نشنیده و یا نخوانده اند؟ - روزنامه رسالت ۲۹ تیر ۷۰

رنوفی - علی - فرمانده سپاه کرمان - استاندار کرمان - سردار سپاه.



رنو فیان - ابوالقاسم - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای و سیاسی از ابتدای انقلاب - او وابسته به گروه هیات مؤتلفه اسلامی می باشد.

راتق - عباس - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

راجی - مستشار دیوان عالی دادگاه انقلاب - دخیل در قتل حجت زمامی.

رادان - سردار سپاه.

راز زاده - حجت الاسلام - حاکم شرع کردستان در سال ۵۹

راسخ - اتاق بازگانی.

راشد - محسن - از مدیران رده بالای وزارت اطلاعات.

راشد یزدی - حجت الاسلام - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت.

رامش - عزیز - پاسدار نگهبان و از مسئولان بند در زندان قزلحصار.

رامندی - حجت الاسلام - قاضی شرع دادگاههای انقلاب اسلامی قزوین سال ۵۹.

راوندی - حجت الاسلام - حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی.

ریانی - محسن - حجت الاسلام - از عوامل انفجار در آرژانتین.

ریانی امنشی - محمد مهدی - آیت الله - دادستان انقلاب و عضو شورای نگهبان - از حکام شرع و جنایتکاران به نام - به دستور وی و حمایت و برنامه ریزی آیت الله بهشتی، برای اولین بار نشریات توقیف شدند.

ریانی - سردار سپاه از فرماندهان سپاه پاسداران.

ریانی شیرازی - عبدالرحیم - عضو شورای نگهبان اول.

رجایی - محمد علی - دبیر آموزش و پرورش - نخست وزیر تحمیلی و از پاران کودتای سال شصت و اعدامهای بعد از آن.

رجایی خراسانی - سعید - نماینده دور سوم - نماینده ایران در سازمان ملل.

رجایی فر - فرورز - از نیروهای وابسته به باند سرکوبهای خیابانی و یکی از دانشجویان پیرو خط امام و از مسئولین گروه استشهادیون.

رجبی - فاطمه - فرزند حجت الاسلام علی دوانی که خود را از اصولگرایان تند می نامد و از هواداران احمدی نژاد است و وی را نابغه هزاره سوم معرفی نموده است. او از اعضای گروه سرکوب های خیابانی و رسانه ای می باشد و اخیراً توسط دانشجویان از دانشگاه اخراج شده است.

رجبی - محمود - حجت الاسلام - از شاگردان برجسته گروه مصباحیه (مصباح یزدی) که مورد تایید ایشان است.

رحمانی - حجت الاسلام - حاکم شرع دادگاههای نظامی.

رحمانی - داود - از روسای زندانهای ایران و عضو مافیای قضایی.

رحمتی - عبدالعلی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

رحیم مشایی - اسفندیار - رییس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران - پدر عروس احمدی نژاد.

رحیمی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

رحیمی - بازجوی زندان اوین.

رحیمی - عباس - استاندار مازندران - سازمان زندانها - بخش اداری مالی.

رحیمی - محمد رضا - معاون رییس جمهور - استاندار بعضی از استانهای کشور و معاون سابق سازمان بازرسی کل کشور، عضو باند های سیاسی - امنیتی - سرکوب های خیابانی.

رحیمی - کیومرث - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

رزاقی - معاون نمایندگی بنگاه تعاون و حرفه آموزی و اشتغال زندانیان استان مازندران.

رستگاریان - حسن - سردار سپاه - فرماندهی قرارگاه حمزه سید الشهداء را دارد.

رستگاری - محسن - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

رسولی - حاج جواد - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

بوته آزمایش ؟

روزی طلب - حاج حسین - رئیس آموزش و پرورش فارس و مسئول هیات مؤتلفه فارس، عموی محمد حسین روزی طلب مشاور جوانان استانداری فارس می باشد.

روزی طلب - محمد حسین - مشاور جوانان استانداری فارس.

روزی طلب - حاج مجید - نماینده شیراز در مجلس هفتم، شوهر خواهر و پسر عموی حاج حسین روزی طلب می باشند.

روشن - حسین - از اعضای فرماندهی گروه انصار حزب الله.

رویایی فرج - مرتضی - پاسدار زندان گوهر دشت که به افسر نگهبانی ارتقا یافت.

ریاحی - مهدی، سرویس معاونت عملیات، عامل ترور صیاد شیرازی.

ریاض - سید علی - داماد آیت الله موسوی بجنوردی و باجناق سید حسن خمینی و نماینده مجلس.

ریحانی - ابوالفضل - موسوی تبریزی - حجت الاسلام - حاکم شرع دادگاههای انقلاب.

ریاض - نماینده مجلس - داماد آیت الله موسوی بجنوردی و باجناق سید حسن خمینی.

رنیسی - ابراهیم - معاون قوه قضاییه، داماد آیت الله علم الهدا امام جمعه مشهد.

رنیسی - برادر معاون قوه قضایی و از اعضای باند قضایی و اقتصادی که مدتی دستگیر شده بود.

ابراهیم - حجت الاسلام - از حکام شرع و معاونین قوه قضاییه.

ریسمانیان یزدی - از اعضای وابسته به باند اقتصادی در کار زمین و مسکن.

رمضانزاده - فاطمه - عضو حزب کارگزاران.

رهنمایی - احمد - حجت الاسلام - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت.

رودکی - محمد نبی - نماینده مجلس - عضو باند نظامی - سیاسی - سردار سپاه.

روشن - مهدی - مسعود، مدیرکل عملیات استان تهران، عامل قتل پروانه اسکندری.

زائری - حسین - حجت الاسلام - دبیر کل سازمان ایثارگران انقلاب اسلامی.

زایی - آیت الله - از وابستگان به نظام ولایت.

زارع - از مسئولان زندانهای فومن و گیلان و بعد مسئول سازمان زندانها در استان گیلان شد.

زارع دهنوی - حسن - قاضی حداد.

زارع - حجت الاسلام - از وابستگان به قوه قضاییه و مصباح یزدی.

زارعی - سردار سپاه - فرمانده انتظامی استان تهران که گند کارش در آمد.

زارعی - علی اصغر - نماینده مجلس - مشاور رئیس جمهور احمدی نژاد در آموزش عالی.

زارعی نجف دری - علی - معاون احمدی نژاد.

زاکانی علیرضا - نماینده مجلس - رئیس بسیج دانشگاه تهران و از اعضای باند سرکوب های خیابانی و سیاسی و امنیتی.

زرقتندی - حجت الاسلام حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی.

زرقتندی - حجت الاسلام - دادستان انقلاب اسلامی در کرج.

زرگر - موسی - حجت الاسلام - از حکام شرع دادگاههای انقلاب اسلامی.

زرگر - موسی - نماینده مجلس - گروه ۹۹ نفره.

زریبافان - محمود - پدر زن محسن نبوی - عضو باند اقتصادی مافیایا.

زریبافان - مسعود - از نیروهای وابسته به سرکوب های خیابانی - معاون احمدی نژاد، باجناق مجتبی هاشمی ثمره و مددی.

زرین - عباس - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

زرین گل - پاسدار زندان اوین و عامل اجرای اعدام از بند ۲۰۹.

آزادی مطبوعات در جهان، ایران با رتبه ۱۸۷ همچون سالهای گذشته در ردیف کشورهای «غیر آزاد» قرار گرفته است.

در این گزارش، تنها کشورهایی چون ازبکستان، ترکمنستان، کره شمالی و برمه وضعیت بدتر از ایران دارند.

در ۹ اردیبهشت ۸۹، به گزارش آخرین نیوز: کارگران شرکت کشتی سازی و صنایع فرا ساحل بندرعباس، به نبود امنیت شغلی و تصمیم مسئولان برای اخراج آنها از شرکت اعتراض کردند.

در ۹ اردیبهشت ۸۹، به گزارش هرا، "توقیف مرتضی پور" از اعضای کانون صنفی معلمان در پی یورش نیروهای امنیتی به منزل شخصی اش در تبریز بازداشت شد.

در ۹ اردیبهشت ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانی حسن نصیر وند حدوداً ۳۰ ساله و متاهل در اعتراض به رشوه گیری و بی عدالتی فردی بنام علی فرهادی دادستان انقلاب کرج که از خانواده آنها در ازای آزادی عزیزشان تقاضای مبلغ زیادی رشوه کرده بود و قادر به پرداخت آن نبودند و همچنین به دلیل فشارهای طاقت فرسا و قرون وسطانی در بند ۴ زندان گوهر دشت، اقدام به خودکشی نمود و جان باخت.

در ۱۰ اردیبهشت ۸۹، به گزارش ویلاگ نویسان علیه اعدام، دادگاه تجدید نظر شعبه ۳۶ استان تهران به ریاست حجت الاسلام زرگر، حکم اعدام جعفر کاظمی را تایید کرده است و اعلام شده که این حکم قطعی و بعد از ۳ روز قابل اجرا می باشد. به گفته نسیم غنوی وکیل آقای جعفر کاظمی حتی حکم صادره از دادگاه بدوی را هم به او ابلاغ نکردند!

جعفر کاظمی در ۲۷ شهریور ۸۸ در اعتراضات بعد از انتخابات دستگیر شده است و دارای ۲ فرزند می باشد. اتهام او محارب و تبلیغ علیه نظام و همکاری با گروههای معاند ذکر شده است.

در ۱۰ اردیبهشت ۸۹، به گزارش پارلمان نیوز، رحمت الله باستانی، استاد ۵۱ ساله دانشگاه که در تاریخ هشتم فروردین ماه سال جاری و در جریان مراسم تشییع همسر آیت الله العظمی منتظری در قم دستگیر و روانه انفرادی شده بود، اخیراً با حکم شفاهی یکی از مسئولین دانشگاه سیستان و بلوچستان از تدریس منع شد.

در ۱۰ اردیبهشت ۸۹، به گزارش مهر، مدیر کمیته ارزشیابی و نظارت بر نمایشگاه کتاب تهران از ممنوعیت عرضه کتابهایی که به تبلیغ فرقه های ضاله و عرفان التقاطی بپردازند و در آنها نسبت به آموزه های دینی و مذهب شیعه جعفری بی توجهی شده باشد خبر داد.

محمد اللهیاری فومنی گفت: تمامی کتابهایی که با استفاده از واژه های مجعول، تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار دهند نیز مشمول این ممنوعیت می شوند.

در ۱۰ اردیبهشت ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانی سیاسی مرتضی صادقی ۳۴ ساله به سلولی که محل شکنجه زندانیان می باشد توسط حسن آخریان رئیس بند ۱ برده شد و پس از اینکه به او دست بند و پابند زدند همراه با چند پاسدار بند با باتونهای برقی و معمولی برای مدتی طولانی او را مورد شکنجه قرار دادند. سپس برای تحقیر کردن وی، موی سر او را زدند. شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی آخریان تنها به خاطر اینکه به او گفته بود در سلولها جایی برای استراحت من وجود ندارد.

محکوم کردن به اعدام، ترور، «خودکشی» دادن و...!

در ۸ اردیبهشت ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، ۴ نفر از حامیان مادران عزادار به دادگاه انقلاب فراخوانده شدند و بیش از ۵ ساعت در مورد اتهامات واهی ساختگی بازجویان و اوک مورد بازخواست قرار گرفتند.

در ۸ اردیبهشت ۸۹، به گزارش دوپچه وله: ماموران اوک با مراجعه به خانه های علی اکبر باغانی دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمد بهشتی لنگرودی سخنگوی این کانون، آنها را دستگیر کردند. برخی از ویلاگ های معلمان نیز فیلتر شده اند.

در ۸ اردیبهشت ۸۸، به گزارش سایت کلمه، مهدیه اجدادی خواهر اکبر اجدادی، در نامه به دادستان، نوشته است: برادر من کارگر یک بقالی است و جرم او اقدام علیه امنیت ملی است!

در ۹ اردیبهشت ۸۹، بر اساس تازترین گزارش فریدم هاوس از وضعیت



آیا می توان از میزان اتلاف در تولید برق کاست؟ (۲)

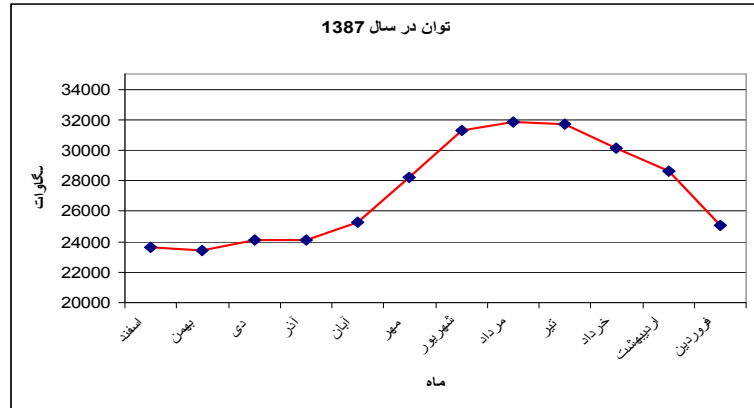
برقی در اختیار مشتری قرار داده می شود که با ۷۷ درصد اتلاف انرژی همراه است. مصرف کننده نیز، به نوبه خود، بخشی از برق را، با نداشتن کاری به هدر

ضعف و قوت آن باز خواهد گشت. اینجا فقط کفایت می کند که با این روش فقط حدود ۱۰ درصد انرژی به هدر می رود. در ضمن اینکه با این سیستم می توانیم هم برق تولید کنیم و هم گرما که می تواند به نوبه خود در تولید سرما بکار رود. در این سیستم، از گرمایی که امروز به هدر می رود، برای مثال با روش absorption heat pump سرما تولید می کنیم.

۲. در مواردی که مراکز مصرف گرما و سرما کوچک هستند و به دلیل مخارج زیاد لوله کشی نمی توان از روش CHP استفاده کرد، می توان از نیروی خورشیدی استفاده کرد. استفاده از انرژی خورشیدی می تواند بصورت تولید مستقیم برق و یا تولید گرما باشد که از این گرما به نوبه خود می توان در تولید سرما استفاده کرد. ۳. در دراز مدت می باید برنامه ای را دنبال کرد که در آن عایق بندی ساختمانها استاندارد را دنبال کند که در آن از به هدر رفتن سرما و گرما بکاهد. لازم به ذکر است که من در کشوری زندگی می کنم که در آن بر اثر سرما خانه ها را کاملا عایق می کنند. سوال این است که چرا در کشور ما که گرمسیر است این عایق کردن را بکار نمی برند. زیرا که برای تولید سرما تقریباً دو برابر انرژی بیشتر احتیاج است تا برای تولید گرما. به بیان دیگر در مناطق گرمسیر اگر بخواهیم

از تخفیف بهای برق در فصل تابستان برخوردار هستند. زیرا که اگر نظری به نمودار (شماره ۲) از چند مجتمع تولیدی بیاندازیم، نشان میدهد که الزاما با شروع شدن فصل تابستان توان مورد نیاز بالا نخواهد رفت. بعضی از مجتمع ها برای مثال مجتمع تولید سیمان در فصل تابستان بدلیل پروتوق شدن ساخت مسکن احتیاج به مصرف برق بیشتر دارند. اما در بعضی از صنایع

استفاده نمی کند. به همین ترتیب هم برای مثال برای تولید گرما و سرما تا جانی که می شود نمی باید از برق استفاده کرد. ● **منحنی مصرف در ایران:** بنا بر آمار سال ۱۳۸۷ حداکثر توان مورد نیاز نزد مشتری ۳۱۶۸۰ مگاوات و حداقل آن ۲۳۴۳۴ مگاوات بوده است. نمودار زیر توان مورد نیاز هر ماه را در طول سال ۱۳۸۷ نشان میدهد.



دیگرام ۱: منحنی توان در طول سال ۸۷

دیگر این روند بر عکس است و بالاخره در بعضی توان مورد نیاز این مجتمع ها ربطی به تغییر فصل ندارد.

بنابر این منحنی بیشترین احتیاج در فصل تابستان است. در سال ۸۷ بیشترین توان تولید شده در نیروگاهها برابر با ۳۴۵۸۱ مگاوات بوده است. در صورتی که قدرت عملی نیروگاهها برابر با ۴۴۵۸۱ مگاوات بوده است. به بیان دیگر بالغ بر ۱۳۳۱۹ مگاوات از قدرت عملی نیروگاهها بلا استفاده بوده است. البته هر کشوری سهمی از نیروگاهها را به عنوان ذخیره استفاده می کند. اما اینکه وزیر نیرو در مصاحبه با مهر بگوید: **مجید نامجو در گفتگو با مهر در خصوص تحویل برق نیروگاه بوشهر برای تابستان ۸۹ گفت:**

"وزارت نیرو بر روی شمع ها نیز برای تامین برق مطمئن در تابستان ۸۹ حساب باز کرده است. بنابراین، ۱۰۰۰ مگاوات برق نیروگاه اتمی بوشهر می تواند سهم مهمی در تامین برق مورد نیاز مردم به خصوص در مناطق جنوب کشور داشته باشد."

این ادعا دروغی محض است. بنا بر داده های وزارت نیرو، تفاوت قدرت عملی با آنچه تولید شده است بیش از ۱۳۰۰۰ مگاوات است. حال یا این ۱۳۰۰۰ مگاوات به دلیل مدیریت بد از کار افتاده است که در آن صورت ارزشترین روش آن است که آنها را به چرخه تولید باز گردانند و یا اینکه نیروگاهها به دلیل کمبود سوخت است که از کار افتاده اند. در آن صورت باز ارزشناز تمام می شود اگر پایه سوخت آنها را عوض کنند و یا رسیدگی به چرخه سوخت کنند تا که نیروگاهها از کار نایستند. و یا اینکه این ۱۳۰۰۰ مگاوات حکم ذخیره را دارد و وزیر نیرو دروغ می گوید تا که توجیه برای نیروگاه اتمی درست کند. پانینتر، خواننده متوجه خواهد شد که اگر جلوی اتلاف و نداشتن کاری در مصرف را بگیرند، معادل تولید چندین و چند نیروگاه اتمی پس انداز کرده اند. و هیچ به ۱۰۰۰ مگاوات برق اتمی که به این گرانی می خواهد برق تولید کند نیاز نیست.

باری، اینطور به نظر می آید که دلیل حداکثر توان مورد نیاز در تابستان و حداقل را در زمستان می توان به احتمال قوی بدون اینکه از نمودار مصرف مطلع باشم در تولید سرما در فصل تابستان جستجو کرد و یا به اصطلاح غرب "سرما برای راحتی". برای همین منظور است که بخشهای گرمسیر همانند جنوب ایران

حاصل آن از جمله به ایران می آید و ما با برقی که بیش از ۷۷٪ اتلاف دارد، این تولید را از جمله چین با پولی که حاصل فروش نفتی است که به نوبه خود متعلق به نسلهای آینده است وارد می کنیم و مصرف می کنیم. حال سوال این است که با این میزان مصرف چه باید کرد؟ آیا می توان آن را ادامه داد؟ اگر نه آیا می توان آن را پائین آورد؟ آیا می توان نوعی دیگر از منبع انرژی برای آن پیدا کرد؟

واحد Gwh	86	87
تعارف خانگی ۱	51000	53000
تعارف عمومی ۲	20000	20000
تعارف کشاورزی ۳	18000	21000
تعارف صنعت و معدن ۴	49772	51705
سایر مصارف تجاری ۵	9953	10744
روشنایی معابر	4510	4091
جمع کل	153235	160540

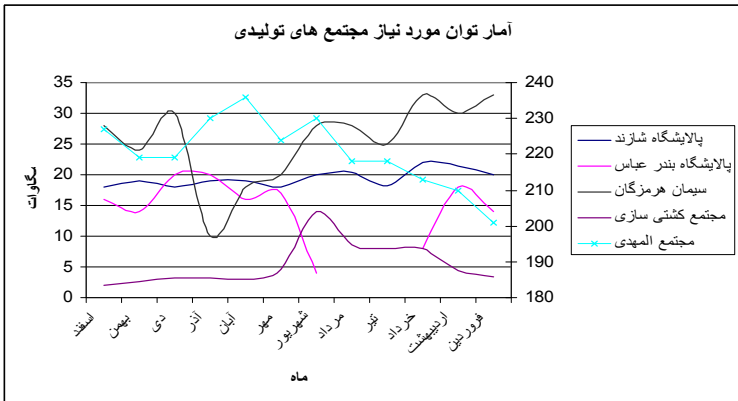
می دهد و بخش دیگری را هم به مصرفی می رساند که به از پا درآوردن تولید داخلی کمک می کند. از این رو، بهتر آن دیدم که در این بخش، بیشترین توجه را به بخش مصرف معطوف کنم و روشهای ممکن و موجود را برای بیرون آمدن از این دور باطل، شرح کنم.

● ساختار مصرف برق:

در ایران مصرف را به شش تعریف تقسیم کرده اند. این تعریف ها به قرار زیر است: امروزه، از برق برای تولید گرما، سرما، و به کار انداختن ادوات برقی استفاده می شود. سعی می کنم نوع مصرف را با هم دنبال بکنیم تا شاید کاستیهای آن معلوم شود.

بگذارید با جدول بالا شروع کنیم. سوال این است که این ارقام چه می گویند؟ برای اینکه بهتر متوجه بشویم لاجرم باید چند مقایسه با کشورهای دیگر بکنیم. این روزها از بخت بد بازار ایران از فرش گرفته تا صنایع دستی تا پسته و بادام همه و همه به تصرف چین در آمده است. نظری به سرانه مصرف کل مصرف برق چین و مقایسه با آن کمک به برآورد کردن خوبی و یا بدی این ارقام می کند. در سال ۲۰۰۶ مصرف سرانه برق در چین معادل ۲۱۷۹ کیلووات ساعت می بوده است در حالی که در ایران، مصرف سرانه آن بالغ بر ۲۱۶۰ کیلووات ساعت بوده است. همانطور که می بینم مصرف سرانه ایران و چین تقریباً به یک میزان است. حال که مصرف سرانه یکی است و بخش تولید چین بسیار کارا تر از ایران است لاجرم بخش مصرف خانگی می باید بسیار بالا باشد. بنا به آمار سال ۸۵ تعداد خانوار در ایران بالغ بر ۱۷۵۰۰۰۰۰ بوده است. حال اگر فقط مصرفی که این تعداد خانوار کرده اند را به حساب بیاوریم، مشاهده می کنیم که هر خانوار ایرانی بالغ بر ۲۹۰۰ کیلووات ساعت برق مصرف می کند. این مصرف سه برابر میانگین جهانی است.

لازم به یادآوری است که بخش بزرگی از این خانواده ها حتی از حداقل وسایل رفاه نیز برخوردار نیستند. به بیان دیگر سرانه مصرف در شهرها نزد اقلیتی می باید بسیار بالا بوده باشد. فرق بزرگ جامعه ما با جامعه چین در این شده است که برق در چین قسمت عمده آن صرف تولیدی می شود که



نمودار ۲: میزان توان مورد احتیاج چند کارخانه در طول سال.

در اینکه ساختمانها در فصل تابستان در ایران احتیاج به خنک کردن دارند حرفی نیست. سوال این است که با کدام روش باید به این هدف رسید؟ در حال حاضر بنا بر نمودار بالا از برقی که از شبکه سراسری انتقال می باید استفاده می شود. به چند دلیل روش کنونی کارایی ندارد. اولاً در بسیاری مواقع می توانیم از انرژی استفاده کنیم که مرغوبیت بدتری (اکسرژی پائین تری) از برق داشته باشد. دوم اینکه روشهایی را باید برگزید که جلوی هدر رفتن انرژی را در تولید سرما و نگهداری آن بگیرد و در آخر اینکه در آن موارد که این روشها مقرون به صرفه نیست از برقی استفاده شود که احتیاج کمتری به شبکه سراسری داشته باشد.

● روشهای گوناگون برای تولید سرما و گرما بدون استفاده از شبکه برق:

چند روش را در زیر شماره می کنم به امید اینکه هم وطنان دیگر در تکمیل آن مراری کنند:

۱. در نیروگاههای حرارتی ایران در بهترین حالت بیش از ۶۵ درصد انرژی به گرمایی تبدیل می شود که با مخارج در خنک کننده ها می باید سرد شود. اما در نوعی دیگر از روش تولید این گرما یا برای گرم کردن و یا برای سرد کردن خانه ها استفاده می شود. این روش را CHP می نامند. بعداً به این روش و نقاط

ساختمان را در فصل گرما خنک نگهداریم احتیاج بیشتری به عایق بندی ساختمان داریم.

۴. معماری ساختمان باید چنان باشد که کمک به جلوگیری از هدر رفتن سرما و گرما کند. برای مثال محل پنجره ها، نوع پنجره ها و اندازه پنجره ها باید چنان باشد که از هدر رفتن انرژی بکاهد.

با راه حلهای ذکر شده و دیگر راه حلها که متکی به برق شبکه برای تولید گرما و سرما نیستند می توان از بار شبکه برق کاست و به این ترتیب هم از انرژیهای که تا به امروز یا استفاده نمی شوند و یا به هدر می روند استفاده کرد و هم از افت برق در انتقال کاست. در ضمن اینکه از مصرف سوختی کاست که متعلق به نسلهای آینده است. و هم به بهتر شدن محیط زیستی کمک کرد که نسل امروز و نسلهای بعد می باید در آن زندگی کنند. بگذارید این واقعیت را از زبان ارقام بشنویم: اگر در چهار ماه گرم تابستان میزان افزایش توان مورد نیاز را ۵۰۰۰ مگاوات بگیریم (اختلاف بین ۲۵ هزار مگاوات میانگین ۸ ماه سرد سال و ۳۰ هزار مگاوات میانگین توان چهار ماه گرم سال). انرژی اضافی در این فصول بالغ بر ۱۴ تراوات ساعت می شود. حال اگر فرض را بر این بگذاریم که ۶۰٪ از این افزایش که معادل ۸.۶ تراوات ساعت مصرف کرد (معادل تولید بیش از ۳ راکتور اتمی). و یا معادل ۱۶ میلیون بشکه نفت. که با نفت بشکه ای ۷۳ دلار (ترازنامه ۸۶ بر این پایه حساب کرده است) می شود ۱.۲ میلیارد دلار در سال. در صفحه ۱۴

